

قروح مجرب است موی سوخته دو جزو پوست پیاز سوخته یکجزو تخم ریحان بو داده
نصف جزو کافور قیصوری ربع جزو از و ر نمایند ایضا این ازور بجهة اکلاه
قروح ساعیه و بواسیر الانف و نواسیر مجرب است استخوان رمیم با سوخته صبر
زرد بالسویه بلوز نمر و نمایند و همچنین برگ عناب خشک را ذرور نما
یند که بجهة اکله سعدین است و ضماد برگ زیمرنگ همین خاصیت دارد
والنصا است میدن بکبدرم سلاحه کرده بر باعث شفای جذام مستحکم دانسته
گوسپند که در سنگ لاخها می چرید بشود هر روز با سکنجبین تا چهل روز باعث
والاخر شفای جذام مستحکم دانسته اند اگر چه بحد ریختن اطراف رسیده باشد
امام جعفر صادق ع مرویست که فرمود این تعویذ لیست بجهة کسی که مبتلا شده
باشد ببلای از بلاهای فادحه باشند اگر دعفران وست بر مریض بگذارد و بگوید
بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَمِنَ اللّٰهِ وَاِلَى اللّٰهِ وَمَا شَاءَ اللّٰهُ وَلَا حَوْلَ وَ
لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ اِبْرٰهِيمُ خَلِيلُ اللّٰهِ مُوسٰى كَلِيمُ اللّٰهِ نُوحٌ نَجِيُّ اللّٰهِ
عِيسٰى رُوحُ اللّٰهِ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِمْ اَجْمَعِينَ
مِنْ كُلِّ بَلَاءٍ فَادِحٍ وَوَجَعٍ وَكُلِّ رِيحٍ وَدَاءٍ وَالِجٍ وَاَوْجَاعٍ فَسَمّ

مِنَ اللهِ وَعَدْ آئِمَّ مِنَ اللهِ لفلان بن فلان لا يقربا الاكل وا
عينك بكلماتِ اللهِ التامّاتِ الّتي سَالَ لها آدم عليه السلام
ثمّ فتاب عليه انّه هو التوّاب الرحيم الا انها حِرز ايتها الا
وجاع والارواح لصاحبه باذن الله بعون الله بقدرة الله الا
له الخلق والامر تبارك الله ربّ العالمين وسوره فاتحة الكتاب و
آية الكرسي ويك عشر از اول سورة يس بخوان وبگوی اللّهمّ انّي اسالك
بحقّ محمّدٍ وآل محمّدٍ ان تصلّي على محمّدٍ وآل محمّدٍ وان تشفيه
من علّته هذه بحقّ محمّدٍ وآل محمّدٍ اما معالجات جرب وحکه وقوبا ونفرس
وقوبا علتیست که پوست لغز نماید وملمع شود ومویها بریزاند ومجروح دارد ونقرس
علتیست که سوراخهای خرد در اندام پیدا شود واگر گوشت بران نبندد بخورد ودمل
دفع دمل دعای آن گذشت ودر ذکر معالجات سرطان نیز بعضی از ادویه مذکور شد
واطباء ضماد شیر الحجر با آب زردچوبه خاله جرب متقرح وقوبا وکلف وبهق دانسته اند
وصحیحین گفته اند که جعل را با بیاسانیده در ثالیل وقوبا بمالند در روز زایل گرداند
وطلا کثیرا با بوره وکوکرد جهة جرب وحکه با سرکه جهة بهق وبرص وبا عسل بهجهة نفع شده

لا تنفذون الا بسلطان   آیه افغیر دین الله یبغون وله اسلم تا اخر آیه بخواند
بخواند لقد جاءکم رسول من انفسکم عزیز علیه تا اخر سوره توبه را بخواند
در دفع گزیدن و گزیدن سگ این اشکال را بنویسد و با خود دارد لاسم ه
عا حسن و ادسقط کلبهم باسط ذراعیه بالوصید برحمتک یا ارحم الراحمین
در دفع گزیدن سگ یا شغال دیوانه این اشکال را بر نان نوشته بخورد و شفا یابد
عا ا ل ح ما الامس و الله ح ااا مس فه لامو ۲ ال
هر که الحلیم الحکیم را بنویسد و بشوید و بکسی دهد که او را سگ دیوانه گزیده باشد
بخورد دفع ضرر آن از و شود باذن الله تعالی   که هر که دندان کفتار را با خود دارد
سگ بروی او فریاد نکند تجربه رسیده هر گاه سگ بر کسی حمله آورد دال کسی را انگشت
ابهام و سبابه را بهم گرفته بر طرف سگ رو جهن سگ میان انگشتها به بندد فی الحال هر در دست
منهزم شود   دفع ضرر گرگ از ابن عباس منقول است که لقد جاءکم
رسول من انفسکم عزیز علیه تا آخر سوره توبه بخواند و بر گله گوسفندان دمد
از گرگ محفوظ ماند   گفته اند که این سه شکل را نوشته بر گردن گوسفند بندند
از شر گرگان ایمن گردد
و این زهره در خواص آورده

بلد	سهو	طرید

که اگر او این‌ها را که عود صلیب گویند در گردن گوسفندی بیاویزد در هر گله‌ای که آن گوسفند باشد
از گرگ آسیبی بآن گله نرسد

در دفع ضرر دزدان و قاطعان طریق و موذیان

از حضرت امام موسی کاظم ع منقولست که هر که در سفر باشد و از دزدان بترسد
و از درندگان خوف کند بر پیشانی اسب یا شتر بطریق کتابت بنویسد لَا تَخَافُ
دَرَكاً وَلَا تَخْشَىٰ تا ترسی ضرر آنها از او باذن الله تعالی دفع شود و راوی گفته که بحق خداوند
رسول الله و الا نبی که در سفر حج دو بار تجربه رفیقانم را گرفته غارت نمودند من ایشان را
نمودم بقدرت الله تعالی صحیح و سالم ماندم

دفع دزدان در سفر آیه قل

ادْعُوا اللَّهَ أَوِ ادْعُوا الرَّحْمَٰنَ أَيًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ تا آخر سوره بنی اسرائیل
با این دعا بخواند یا وَدُودُ یا وَدُودُ یا وَدُودُ یا ذَا الْعَرْشِ الْمَجِيدِ فَعَّالٌ لِمَا يُرِيدُ أَسْأَلُكَ
بِعِزَّتِكَ الَّتِي لَا تُرَامُ وَمُلْكِكَ الَّذِي لَا يُضَامُ وَبِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي مَلَأَ
أَرْكَانَ عَرْشِكَ أَنْ تَكْفِيَنِي شَرَّ اللُّصُوصِ يَا مُغِيثُ أَغِثْنِي يَا مُغِيثُ أَغِثْنِي
يَا مُغِيثُ أَغِثْنِي

که در منهج از حضرت امیر المؤمنین ع روایت کرده
فرموده که تعویذیست مجربه شیطان مارد و سلطان جابر و سوختن و غرق شدن و دزد و
آمدن سقف و دیوار و ضرر درندگان و دزدان و قاطعان طریق و دیگر از رفقا
این حدیث نقل کرده گفت هر شب چون از دکان خود بیرون می‌آمدم این دعا را
میخواندم

میخواندم ملا در یک شب فراموش کردم خواندن آن دعا را بیش از بیرون آمدن
از دکان و بستن در آن نخوانده بودم پس در میان بستر بیادم آمده آن دعا
خوانده و بدست طلب کتاب دکان گشاده نمودم چون روز شد بدر دکان
آمدم دیدم که در بسته است البته که من بسته ام و قفل دارد و مردی در اندرون دکان
بود گفتم که تو چه کسی و در اینجا چه میکنی گفت در آمده و گفت بمن وهمان دم آمدم
که چیزی از دکان ببرم و چون داخل شدم و خواستم که چیزی برداشته بیرون روم
جایی را ندیدم و در دکان مثال آنچنان بهم رسید که نتوانستم رفتن و تا صبح درینجا گرفتار شدم
پس من دانستم که آن وقت که دعا را خواندم از برکت آن دعا نتوانسته است که
از دکان بیرون رود و دعا اینست اَللّٰهُمَّ احْرُسْنَا بِعَيْنِكَ الَّتِي لَا تَنَامُ
وَاكْنُفْنِي بِرُكْنِكَ الَّذِي لَا يُرَامُ وَاعْزِزْنَا بِسُلْطَانِكَ الَّذِي لَا يُضَامُ وَارْحَمْنَا
بِقُدْرَتِكَ عَلَيْنَا وَلَا تُهْلِكْنَا وَاَنْتَ الرَّجَاءُ فَكَمْ مِنْ نِعْمَةٍ اَنْعَمْتَ بِهَا
عَلَيَّ قَلَّ لَكَ عِنْدَهَا شُكْرِي وَكَمْ مِنْ بَلِيَّةٍ ابْتَلَيْتَنِي بِهَا قَلَّ لَكَ عِنْدَهَا
صَبْرِي فَكَمْ يَخْذُلْنِي يَا ذَا الْمَعْرُوفِ الدَّائِمِ الَّذِي لَا يَنْقَضِي اَبَدًا وَيَا ذَا النَّعْمَاءِ
الَّتِي لَا تُحْصَى عَدَدًا اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الطَّاهِرِينَ
وَادْرَءْ بِكَ فِي نُحُورِ الْاَعْدَاءِ وَالْجَبَّارِينَ اَللّٰهُمَّ اَعِنِّي عَلَى دِينِي بِدُنْيَايَ

وعلى اجري بتقواى واحفظني فيما غبت عنه ولا تكلني الى نفسي
فيما حضرته يا من لا تنقصه المغفرة ولا تضره المعصية اسئلك فرجا
عاجلا وصبرا جميلا ورزقا واسعا والعافية من جميع البلاء والشكر
على العافية يا ارحم الراحمين مکرر بگوید یا عباد الله اعینوا از
زیرا که جایز روا است این را وی گفت چند دفعه چنین کردم مجربات کم شده
این آیه را بنویسد در زیر سنگ محکم نماید کم شده زود پیدا شود وجعلنا من بین
ایدیهم سدا ومن خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون بنویسد این او
شسته بکسی که گمان دارد داده بخورد اگر دزد باشد شکمش درد گیرد دفعتا
اهیا شراهیا روایت شده که هر گاه بنده یا حیوانی از کسی گریزد این آیه
را بخواند بر زودی گردد او کظلمات فی بحر لجی تا فما له من نور این شکل
یک بند و هم گریخته را در میان شکل الار بنویسد و بسوزن در زمین استوار کنند اثر
کنند مجرب است . آورده که اگر هزار بار

فلان ابن فلان

بسم گریخته بگوید یا طوطیا گریخته باز آید
که اگر کسی گاه رفته باشد و از وی خبری نیاید و یا قو
رغبت مراجعت نداشته باشد این شکل را بر اربعه قطعه کاغذ بنویسد و باسم او
الف

... بار البور ز بزودی مراجعت کند و یا خبری برسد بموجب ...

عطلعلع سلیا اقلالا افلا احلسقوت علسلح علا لههد عمت سلعهم

حالمعهمهد ملسه بخبر آوردن غایب بنویسد و بر جائی آویزد که باد

بر ان بوزد بزودی بیاید

مذکور است که این آیه و عزیمه را بر کاغذی نویسد و در چاه اندازد و گوش

دارد اگر آواز خنده بشنود غایب زنده و خوش است و اگر آواز گریه و نوحه بشنود دلالت

بر مردن او دارد و اگر ناله و زاری بشنود دلالت بر بیماری غایب کند اِنَّ هٰذِهِ الْحَیٰوةَ

الدُّنْیَا مَتَاعٌ وَاِنَّ الْاٰخِرَةَ هِیَ دَارُ الْقَرَارِ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ مِنْ ذَکَرٍ

اَوْ اُنْثٰی بِعِصْمَتِک نوع دیگر بعد از نماز خفتن باید

غسل کند و بر کف دست بنویسد و بعد از غسل با کسی سخن نکند در خواب پری او را

از احوالات غایب خبر دهد اینست سلعصلم سلح مصعصح حح العس

حملصع لا

و ذو در الواح الجواهر آورده که این مربع را

بر بیضه مرغ کشند و آنرا در دان آتش دفن کنند

و چنان دفن کنند که سوز و حرارت آتش به در رسد

بزودی پیدا شود و این اعمال در باره مسروق

عمل کنند بعد از آن که اثر بخشید

تجربه رسیده این اشکال را بنویسد و در موم گیرد و در آتش اندازند و بسوزانند
دزد با خیانت را اقرار آورد و رسوا گردد و اشکال این است طمعه ۸۲۱۱۸ ط ۹۱ ح و لا حل
طلک لعلمه کلامه ۱۱۶ ماه ۱۱ ط ۱۱۱ ط ده ۱۲ ک لام محمد قرعه

فرموده چون راهی روی و راه را گم کنی و با آواز بلند بگو یا صالح یا صالح
اَرشِدْنا اِلَی الطَّرِیقِ یَرْحَمُکُمُ اللّٰهُ   از راه مقصود جدا میل بطرف
دیگر کنند و راه مقصود را گم کنند این آیه را بخوانند تا به راه مقصود رسد عَسَی رَبِّی
اَنْ یَهْدِیَنِی سَوَاءَ السَّبِیلِ   که هر که این اسما را نوشته بر دامن خود بندد
از راه رفتن مانده نشود یا کینج یا کینج یا کینج
که این اشکال را نوشته در میان متاع بگذارد و از تلف شدن ایمن باشد
و ۱۱۱ و الله ح ۱۱۶ ۱۱ ۱۱۱ ۹ ص ۹ ۹ ۱۱ ۱۱ ب ۱۱۱
ب ه الحکم لله   خاصیت دلیل یا حَیُّ یا قَیُّومُ یا ذَا الْجَلالِ وَا
لاِکْرامِ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاحْفَظْنِی وَمالی بِحَقِّ مُحَمَّدٍ یا حَیُّ
یا قَیُّومُ   و ۱۱۱ م ۱۱۱ ۱۱۱۱ ۹ ۶   در دفع علل و امراض
دواب و ... که بر گردن پای گوساری بندد بجهت ایمن از آفات
اللّٰهُمَّ احْفَظْ عَلَیَّ مالی وَحِفْظُهُ عِنْدَکَ لَضاعَ وَاسْتُرْ عَلَیَّ مالی ...
عزل

عنزك لكاع واحيل على بظل اظليلا انى فى يد من رامنى ببوء
او نصب مكراً وهو الى مكروه حتى يعود وهو غير ظافر بطائل
ولا قادر على اللهم احفظنى كما حفظت بكتابك المنزل على قلب
نبيك المرسل اللهم انك قلت وقولك الحق انا نحن نزلنا الذكر
وانا له لحافظون تعويذ بهر اسب ستر بركوهن شنيد اللهم احفظ الفرس
من شر كل عين ناظرة ولسن ناطقا واذن سامعة وايدى با
طشة وارجل ماشية وقلوب داعية وصلود خاوية
فى لى يسمع الان يجد له شهابا رصدا اللهم احفظ الفرس
كل ناطقة فى الميدان وعند مقابلة الفرسان وعقبت عند اقدام كل
فرس عن يمين وشمال وتحت فوق وجعلنا من بين ايديهم
سدا ومن خلفهم سدا فاغشيناهم فهم لا يبصرون اللهم احفظ الفرس
من العيون والقايح والخيام وجميع العلل العارضة للحيوان الحى
بسم الله عليك وعلى ركبك وعند كل العلف وشرب الماء فى
جوف الليل واطراف النهار فسيكفيكهم الله وهو السميع
العليم ولا حول ولا قوة الا بالله العلى العظيم وعن القولنج

والجناب برحمتك يا ارحم الراحمين   برگردن اسب بندند از همه آفات

محفوظ ماند [illegible]

علل دواب در علاج بحبه الراضه بهایم یعنی مرضی که اشکم مرکب عارض ملحق

اید که بر اشکم متورم آید قدری از شکم آب نبیده بردارد دو بناید و هفت باره

بران زند بگوید خرج عیسی ابن مریم علی حمار لم یدحس و لم یمص انا

ادخل و الله یشفی و بر رهیم بندد بر طرف شود باذن الله تعالی

بنویسد این طلسم را و بر پی اسب بندد در پیچ و زخمک گوشهاش اثر تعالی

[illegible]

بند اسب ~~بنویسد این طلسم را و بر پی اسب بندد~~ بر چهار قطعه نوشته

بدین ترتیب بر قوایم اسب بچسپانند مجرب است   دست راست
یاسین نکشت

دست چپ   پای راست   پای چپ   درد اسب بر خنک با
یاشین   یانیل   یافرات

شهادت بنویسد و سه نوبت البدرا بر دو ران آن نوشته کرد اند نیکو شود

باذن الله تعالی اهیت عطاش عنطوش علیطوش بحق توراة موسی

و انجیل عیسی   این مربع را بر پی

حح	ححح	١٥	١٥
٥٥	وو	دب	حو
وو	[illegible]	٥	٥ا
دم	حح	ح	وم

نقش کند و اسب را از دور او بگردانند نیکو شود

[illegible]

مجربه در دستان وگوسفندان وگاوان وغیره نبولسید وبر وبندد بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله وبالله غالبا وتعلیما الله یسئلونک عن الجبال فقل ینسفها ربی نسفا

فیذرها قاعا صفصفا لا تری فیها عوجا ولا امتا ولو ان قرآنا سیرت

به الجبال او قطعت به الارض او کلم به الموتی بل لله الامر جمیعا وصلی الله

علی محمد وآله اجمعین الراسب اول روز بشدان بر دو نقش

در زمین از یکدیگر فاصله را نقش کرده اسب را در میان دو نقش بگذرانند از رنی زایل گردد

بازدن الرکتا

ح	مم
ح	د
س	ه

و	و
ح	ا
ر	ب

در شکم اسب وجار وشده ان عوز ابندن بکمنقاب زهره خرگوش نافع ومجرب

تعویذ نوشید وبتوید با اسب به عوز در زایل گردد بازن الرکتا ۱۱۰ع بوده

ططمو [illegible] واما علاج در میان

مواشی عام که باشد مانند ابله وجرب وبیماری وطاعون گوسفندان وغیره این تعویذ

را نوشته شسته آب آنرا بر ایشان بپاشند دعای دیگر نوشته در گردن ایشان آویخت

گوسفندان بندد دفع شود از مواشی یا هو یا هو یا من هو یا لا اله الا انت

یا مجنتا یا موستلیتا یا طلوح یا الله یا الله یا الله یا رحمن یا رحمن یا رحیم یا حلیم

یا رحیم یا رحیم [illegible]

وننزل من القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنين ولا يزيد الظالمين الا خسارا
ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم برحمتك يا ارحم الراحمين

بلبات جمله حیوانات این اشکال را بر پیشانی حیوان ببندد و بسم الله ... السلام

دفع بیماری گوسفندان اداه اه داه دباه الجل الجل ان عدان ... افتح
ابح فسیکفیکهم الله وهو السمیع العلیم حیوانات اسم اعظم ...
... صما طاطا صاطا طاله ... لا دق دملق شدن منزگاو

وچشم زخم آن بنویسد در پارچه کبودی با چند دانه اسفند ... برشاخ
او ببندد و ان لکم في الانعام لعبرة نسقیکم مما في بطونها من بین فرث ودم
لبنا خالصا سائغا للشاربین ولکم فیها منافع ومشارب افلا یشکرون
و آیه و ان یکاد را تا آخر بنویسد وصلی الله علی محمد و آله اجمعین

... کم ... این را نوشته بر شاخ او ببندد بسم الله مجریها ومرسیها ان ربی
لغفور رحیم چهل اسم از اسماء الحسنی آورده ... اگر کسی قرض بسیار داشته
باشد و وجه آن نداشته باشد که ادا کند این اسم بسیار مداومت کند و ورد خود
سازد انشاء الله تعالی وسیله سازد که اعتبار یابد و معتمد گردد و از قرض بیرون آید
خلاص گردد اسم این است یا منان و یا احسان قد عم کل الخلائق منه دم حسنی

اورده که اگر بسیار بگوید یا حَمِیدُ الفَعّالِ ذَا المَنِّ عَلیٰ جَمِیعِ خَلْقِهِ بِلُطْفِهِ
چندان مال ونعمت یابد وخداوند بدو دهد که جمیع خلایق بدو محتاج شوند روزی
در سجده آخر فرایضها بگوید واز حضرت امام محمد باقر ع مرویست یا خَیْرَ المَسْئُولِینَ
وَیا خَیْرَ المُعْطِینَ ارْزُقْنا وَارْزُقْ عِیالِی مِنْ فَضْلِکَ فَإِنَّکَ ذُو الفَضْلِ العَظِیمِ
در رفع بسته شدن کارها در خواص القرآن اورده که اگر کسی را کارها بسته شده باشد
ومیخواهد که گشاده شود این آیه را بسیار بخواند وَإِذا سَأَلَکَ عِبادِی عَنِّی فَإِنِّی قَرِیبٌ أُجِیبُ
دَعْوَةَ الدّاعِ إِذا دَعانِ فَلْیَسْتَجِیبُوا لِی وَلْیُؤْمِنُوا بِی لَعَلَّهُمْ یَرْشُدُونَ مجربست
گشایش کارها بسیار بگوید بشتاب واز حضرت صاحب الزمان امداد رسد یا فارِسَ
الحِجازِ أَدْرِکْنِی یا صالِحَ المَهْدِیِّ أَدْرِکْنِی یا أَبَا القاسِمِ أَدْرِکْنِی
صادق منقولست که فرمود چون چیزی را شیطان از یاد تو محو کرده باشد وخواهی که
بیاد آید دست بر پیشانی بگذار وبگوی اللّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ یا مُذَکِّرَ الخَیْرِ
وَفاعِلَهُ وَالآمِرَ بِهِ أَنْ تُصَلِّیَ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتُذَکِّرَنِی ما أَنْسانِیهِ
الشَّیْطانُ حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم بحضرت امیر المؤمنین ع فرمود یا علی اگر
خواهی که هرچه بشنوی یاد گیری ودر حفظ تو جا کند ودر تعقیب هر نمازی بگوی
سُبْحانَ مَنْ لا یَعْتَدِی عَلیٰ أَهْلِ مَمْلَکَتِهِ سُبْحانَ مَنْ لا یَأْخُذُ الآدَمِیَّ با

یا الوان العذاب سبحان التی وقف اوحیم اللهم اجعل لی فی قلبی نورا و بصرا
و فهما و علما انک علی کل شیء قدیر   جانوران موذیه چون مار و عقرب
و دفع ان کردن از حضرت امام محمد باقر منقولست که برای دفع جانوران موذیه زهر
ابتدا از الوان بسمله بسم الله و بالله محمد رسول الله اعوذ بعزة الله و
اعوذ بقدرة الله علی ما یشاء من شر کل حامة تدب باللیل و النهار
ان ربی علی صراط مستقیم   امیر المؤمنین منقولست که الرسی از عقرب
ترسد بگوید سلام علی نوح فی العالمین انا کذلک نجزی المحسنین انه من
عبادنا المؤمنین   الرسی از مار و عقرب ترسد در اول شب ابتدا بگوید بسم الله
و بالله و صلی الله علی محمد و آله لعنت العقارب و الحیات کلها باذن الله
تبارک و تعالی با افواهها و اذنابها و اسنانها و اذنابها و انیابها عنی
و عمن احببت لی محوة النهار   بسم الله الرحمن الرحیم کت کات کت
کوت کت کنکو لا هو و سید احمد کبیر کوف کوف کوف
افسون منه ی بجهه لیتن عقرب کالی بجی بیلی بجی سوند فیه لو دی بجی
نورا   کنت نورا یا ربجی اسر مهاد بوهن من بشیر از آدم چند ت دها
یا انکالت کوتای   بجهت عقرب گزیده برات خوانند بدهند بخورد نافع است

یا معنی

یا دغنی یا دعنوسی یا شمی یا شمیعی اسکن باذن الله تعالی بنویسد و بر بالای زخم

مار و عقرب بندد شفا یابد وَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ

حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ لیئے منزل را بخواند

ورم عقرب بیرون آید و درد ساکن شود بسمله طو دها کو دها کل هنها کانها فو دها

سنگی نیدی اندی مندی کوتا کرنا اومی نکی سوسر و بحق سلیمن ابن داود عم

بدم سلطان سید احمد کبیر سنه دعا و بو دم کو فنج برگز دم گزیده بخواند

سه بار بر مدا ابنجی ساساها سین مار و در مکارم اورده که این افسون را چون

مار را به بیند سه بار بر وی بخواند مار بسته شود و بانزا برون کنند یس مار را گرد بسمله خاتم

سلیمان بن داود عم اخ اخ و ماسکه ملائکه هبو لسوما دو ابا دوادی اتوی

ازادی مریم هدنا لبهم الله خاتم و بالله الخاتم منزل بولیان هند بر مار بخواند کیمو

کوست کوست کی واسیس کی سایی کی ستنکوتن تمن کی نیصوا انجانبا

کره کریی سرسنج و بانه وینه مناو بلی بکتکه بن دان من جهان جهان

دسان دوا دبون جمادا لنه وهای یا لک کان کی مای این اشکال را بنویسد

و بر چهار قطعه کاغذ دو در چهار گوشه خانه و محله دفن کند مار در آنجا در نیاید و اگر بیعم بسته قرار

سوذا نسه بسمله هجه و هجی می دا طور و کهوف از مجربات دانسته اند که چون درر

حل کرده کاغذی بآن نقش نموده و در اطراف خود نهد هوام بیرامون آن نگردد باشند
آبی که نوشته در دوران حمل کرده باشند باعث هرب ماران است و چون از آن آب در سوراخ مار
بریزند باعث هلاک اوست و اگر طبیخ حنظل را بر موضع منفی بپاشند مار زیر آن
مکان نماند و چون ریسمان را بقطران الوده کرده دور خود حلقه کنند داخل حلقه نمیگردد
و از دود بخور سم بز و کوگرد و پوست خرگوش و موی زن و نفت و مقل و سکینج و چوب
انار دفع گزیدن مار میشود و از دارینه زمرد دافع گزیدن مار است و چون حجر دافع بر زخم گزیده
افتد در ساعت چشمش از حدقه در آید و ملح و لطوخ سم رومی و حجر العالم را جهت گزیدن
رتیلا مفید است زهر مار این کلمات را بر موضع گزیدن مار خوانند شفا یابد
بسمله آهیا شراهیا اذونی اصباوت ایل شدای اعوذ بکلمات الله
التامات کلها من شر ما خلق و ذرا و برأ و من شر کل حیة و عقرب
سلام علی نوح فی العالمین انا کذلک نجزی المحسنین
انه من عبادنا المؤمنین بر موضع زخم مار خوانند شفا یابد حیا بیا شفیدا
برحمتک یا آدم الی حین در دفع کیک و نیمه و ملخ و مانند آن در
روایت معتبره از حضرت موسی بن جعفر الکاظم مرویست که فرمود اصحاب حضرت
رسول صلی الله علیه و آله در بعض از غزوات از بسیاری کیک بآنحضرت شکایت

کردند بحضرت
فرموده که در وقت خواب این دعا بخوانند یا ایتها الاسود الوثاب الذی لا
یبالی علقا ولا بابا عزمت علیک بام الکتاب وان لا تؤذینی واصحابی
الی ان یذهب اللیل ویجیء الصبح بما جاء ... اورده تجربه بر طرف شدن
پشه این شکل را با بی عدد بنویسد و در هر مقامی که جا و بر دیوار از آن مکان بگریزد
گفته اند که چون زرنیخ را با نوشادر در وبا ... چند روز
در مقام بخور کنند در دور اوانی تولد نکند

۵۷۱۷۸ ۱۱۹۳۲
۱۳ ۵۷۱۲۳۲
۱۳۴۱ ۸۳۸۲

دروفع
دیوچه وارضه وموش وموروشپش وغیره در خواص الآیات مذکور است که هرگاه آیه
والذین ینفقون فی سبیل الله کمثل حبة انبتت سبع سنابل فی کل
سنبلة الی قوله غنی حلیم را در سفال نویسد و در انبار غله نهند از آفته
محفوظ مانند و اگر در میان قمقمه و امتعه نهند از موش و موس ایمن باشد
بر چهار پاره کاغذ بنویسد و بر چهار زوایای خانه دفن کند ... گرد آن خانه نگردد

٥	٣و	ط	وی
٥	مو	٥ی	ہی سا
٥	٤ح	١٢	ح٢

در سفالی بنویسد و در میان گنت واژگونه
فرو رود موش آن گنت دفع کلی الثیت ع ۱۱۹
الا ۱۱۱۱۱ ح ۹۰ لا
مغز ق تر را با ... مخلوط ... زنند و در سوراخ ریزند موش
بمیرند
معجون بر چیزی بنویسد و در زوایای خانه بیاویزد خورجه کی آن
مور

قرار نمایند لا نتم الله اکلا حیتر ان کنتم تؤمنون بالله والیوم الاخر والنبیین وما انزل الیهم واسئلکم بحق ایه فما بنیکم وبیننا وما انزل الیهم الا خرجتم ان مساکننا بنویسند و بنویسند و در مکان بپاشند و دیگری بنویسند و در سوراخ ایشان پنهان کند از آن منزل قرار نمایند یا ایها النمل اخرجوا من هذه المکان و هذه الدار واسرعوا الخروج امر حکم کما حکم سلیمان بن داود وجنوده فی الیم برپشم میوه بخوانند و در سوراخ ایشان گذارند بریزد یا ایها النمل ادخلوا مساکنکم لا یحطمنکم سلیمان وجنوده وهم لا یشعرون آورده اند که اگر سوراخ موران بسر کین گاو بسته بو کنند موران بمیرند یا بگریزند و اگر زاج سیاه را بسوزانند خاکستر آن را در سوراخ مورچگان بریزند بمیرند یا بگریزند و اگر زاج سیاه را بسوزانند خاکستر آن را قرار نمایند و در جایی که زنبور بسیار و مور گنند مورچه هرگز بآنجا عبور نتوانند مجرب شنیدی در خواص الایات ازین عمل و آورده که اگر کسی را شیش آزار دهد از سوره کهف آیه قالوا یا ذالقرنین ان یاجوج وماجوج مفسدون فی الارض تا قوله ونفخ فی الصور فجمعناهم جمعا را بسیار تلاوت کنند و بدان مواضعت نمایند تا خلاص شود طلا کردن سیماب را در مستاعمل کردن

[illegible]

افانه

و طلای سهمی تا تل عمل است   در دفع لا آنست رزع و بوستدن از کرم دیلم
و طرد و عقاید فرو خشم بد بچه دفع شرش در یلخ و جنج و ورم و بلد سبب بر آیات نوبع
و دفع برجبار قطعه کاغذ بنویسید یا بر جبار بخشته و در جبار رجبای دفن کنند در میان کشت
تا افتد دفع تو بنه بسم الله الرحمن الرحیم فسیکفیکهم الله وهو السمیع العلیم یا کاشف
الکرب و منجی نوح من الغم و منزل التوراة و الانجیل و الزبور و الفرقان
العظیم و خالق الشمس و القمر الم ذلک الکتاب لا ریب فیه هدی للمتقین
الذین یؤمنون بالغیب و یقیمون الصلوة و مما رزقناهم ینفقون و ما
انفقتم من شیء فهو یخلفه و هو خیر الرازقین   بسم الله الرحمن الرحیم
خذوه فغلوه ثم الجحیم صلوه ثم فی سلسلة ذرعها سبعون ذراعا فا
سلکوه انه کان لا یؤمن بالله العظیم و لا یحض علی طعام المسکین فلیس له
الیوم ههنا حمیم و لا طعام الا من غسلین لا یاکله الا الخاطئون ا
لجراد و القمل و الناس و الضفادع و التابع و کل آفة من زرع فلان بن
بسم الله الرحمن الرحیم کهیعص ذکر رحمت ربک عبده زکریا
و اذکروا نعمة ربکم و اذ تعبدوا الله و اتقوا سلطانه و ابتغوا الی
الارض منهجا و الی السماء مصعدا و انتهوا بنهیه و اتقوا الله الذی خلقکم

والجبلة الاولین بسم الله الرحمن الرحیم وتکم ان یجعل لکم ان

الدم ادم ادم هو الذی احیاکم ثم یمیتکم ثم لیبلغکم ثم یغنیکم وهو الغنی

الحمید ـ ودرکرم خواهیکه از کشت زار دفع کند این نامها را بنویسد و بر چوب

جانب زمین بند ان کند ▭ ▭ (محب) هی قروبی هط

هوه دعای عنجه وکرم که در درختها پدید آید برکنه نویسد و دران اویزد دفع

باذن الله تعالی النقس یا کهیع اهیا شراهیا ا ب ا ا ج ا ا د ا

ا ا و ا ا ز ا ا ح ا ا ط ا ا ی ا ا ک ا ا ل ا ا م ا ا ن

ا ا س ا ا ع ا ا ف ا ا ص ا ا ق ا ا ر ا ا ش ا ا ت

ا ا ث ا ا خ ا ا ذ ا ا ض ا ا ظ ا ا غ ا ا

این آیت را بجهة دفع کرم و مزه بر سه پاره نی بنویسد و بر سه سمت زمین فرو برد

سمت قبله را خالی بگذارد دفع شود و اذا تولی سعی فی الارض لیفسد فیها ویهلک

الحرث والنسل والله لا یحب الفساد و اذا قیل له اتق الله اخذته العزة

بالاثم فحسبه جهنم ولبئس المهاد دفع ملخ که در کتب معتبره مذکور است

که در مزرعه که دعد شود و خوف آفت ملخ رسیدن باشد این شکل را بر کوزه

نو بیده کذاشته در چهار جانب مزرعه دفن کند از آفات ایمن باشد ان شاء الله

الملک

از لوح دل ایشان بنوک گزلک پند دلپسند بحث آنرا نمیتوان محو و حک نمود

و از اتفاقات در همین اوان عبور و مرور این حقیر بدیلستان (?) یکی از معاجران

افتاد در حینی که یکی از عوام بجهة عوده (?) استشفا برین بنده آمده و آن شیعی (?)

چون حاجی را ماکیان سیاهی خواسته که از خون او تعویذی بجهة او بنویسد آن

بیچاره حاجی حسب الفرموده آن بجستجو (?) ماکیان را معیّد (?) نزد آن مقید

آورده قدری از خون آن گرفته آورده اراده داشت که از آن خون چیزی بنویسد

ادراک فقیر (?) بعد این احقر او را از آن حرکت زجر و منع نموده در آن حالت باز

داشت لابد ممنوع و بجهة آنکه مبادا اخلاف گفته اش ظاهر شود بتحریف در عوض

خون لاکشته (?) تمام و آن بیچاره عام را از ذاکرده ماکیان حلال او را نجد لیه (?) برخود

حرام گردانیده در آن زمان نتیجه ظرافت خلیده که ابناء این زمان کوشش در تحصیل آب

و نان زیاده بر تکمیل ایمان و مفاخرت این جهان دارند و شیطان نیز ایشان را

ازین راه بیشتر گول میدهد و اکثر عوام در دفع آلام و اسقام بقصد آنکه بدعا

نیز باشاء دوا رفع میتوان مانند امثال ما با سوادان که گفتن (?) رشان (?) مدافع یکدیگر دارند (?) بلست (?)

بر همکر (?) رند و نسخه که در این باب جامع باشد و از تعویذات و رقیات واده و به مفرده

تجربه و غیره اشیاء منفعه بجهة هر علتی و دردی از ائمه دین و علماء راشدین
واکابران پیشین و مجربین جمع نماید در رشته تالیف انتظام دهد هر چند که بعضی از ان
مثل دب الیه شرح الوزر در ظاهر شنوده باشد مانند اکثر الفاظ ربیث و منابکر معنی ان
مفهوم و معلوم نمیشد اما باعتبار انکه ثابت است از تاثیر ترکیب طبایع و امتزاج حروف
ان چنان استفاده نموده باشد در الواقع ان کلامی نباشد که از گفتن و نوشتن ان
خللی در دین بهم رسد و مع ذلک چون عزم و نیت بر مفسده نیست بحکم انما الا
عمال بالنیات ضرری نخواهد داشت و همچنین بعض از اسرار که در افشای ان
چندان مفسده مترتب نمیشد بلکه مثمر و منتج رفع مکروهی بود بنابر تاثیر انها
ایراد ان نمود شاید که ضعفاء عوام بلکه شکم پرستان مردم فریب بیزبان رجوع
نموده گردند مطلقا دوای که در باب که در باب متروک شدن نسخه مذبوره فهم
عقیده ال جمع نبود نشد لعل انچه در اجع و مرجوع هر دو بدون دیز رد و بابا ببند
در زند مستفید گردند لهذا این نسخه را تالیف و مبوب بهشت باب و مقدمه
و خاتمه که هر یک مشتمل بر فصول چندی باشد کرد بنده و مقدمه در ابواب و خاتمه
بدین تفصیل است مقدمه در مداوای جمیع علل و امراض و اوجاع و درد چند

و فصل است باب اول در دفع علل متوهمه منکره و در دفع ال مشتمل بر چند
فصل باب دوم در دفع شر و بلیات و در آن فصل است باب سوم در
دفع اقسام تب باب چهارم در دفع دردهای اعضا باب پنجم در دفع
ضرر دردسرها باب ششم در دفع هموم و غموم باب هفتم در دفع ضرر هوام و
دل باب هشتم در دفع امراض اطفال و زنان خاتمه در ذکر بعضی تجارب حکما
در معرفت احوال مریض والله اعلم مقدمه در مداوای جمیع امراض و علاج و
علاج و در این مقدمه چند فصل است فصل اول در بیان دعا و تعویذ در دفع
هر علل و مرض در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق ع منقول است
که چون بر بیماری روی هفت مرتبه بگو أُعِيذُكَ بِاللّٰهِ الْعَظِيمِ رَبِّ الْعَرْشِ
الْكَرِيمِ مِنْ شَرِّ كُلِّ عِرْقٍ نَعَّارٍ وَمِنْ شَرِّ حَرِّ النَّارِ و در حدیث حسن منقول است
که از فرزندان حضرت صادق علیه السلام بیمار شد حضرت بدو فرمود که این دعا را بخوان
اَللّٰهُمَّ اشْفِنِي بِشِفَائِكَ وَدَاوِنِي بِدَوَائِكَ وَعَافِنِي مِنْ بَلَائِكَ
فَإِنِّي عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ ایضا از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است
که فرمود چون بر سر بیماری روی هفت نوبت بگو أَسْأَلُ اللّٰهَ الْعَظِيمَ رَبَّ

الْعَرْشِ الْعَظِيمِ اَنْ يَشْفِيَكَ وَيُعَافِيَكَ اگر اجلش نرسیده باشد شفا
یابد واز حضرت امام رضا علیه السلام روایتست که بجهت هر مرضی که بوده باشد از امراض این دعا
بخوانند شفا یابد یَا مُنَزِّلَ الشِّفَآءِ وَمُذْهِبَ الدَّآءِ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاَنْزِلْ
عَلٰى وَجَعِ الشِّفَآءِ و در کتاب مجتبی آورده که این دعا را مریض بکتوب بخواند اگر
شفا یابد فیها والا اگر ثواب یابد یابد ان شاء الله تعالی اَللّٰهُمَّ اَنْتَ قُلْتَ فِيْ كِتَابِكَ
الْمُنْزَلِ عَلٰى نَبِيِّكَ الْمُرْسَلِ وَمَا اَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيْبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ اَيْدِيْكُمْ
وَيَعْفُوْ عَنْ كَثِيْرٍ اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ هٰذَا الْمَرَضَ مِنَ
الْكَثِيْرِ الَّذِيْ تَعْفُوْ عَنْهُ وَتُبْرِئُ مِنْهُ اُسْكُنْ اَيُّهَا الْوَجَعُ وَارْتَحِلْ اِلَى
السَّاعَةِ مِنْ هٰذَا الْعَبْدِ الضَّعِيْفِ سَكَّنْتُكَ وَرَحَّلْتُكَ بِالَّذِيْ
سَكَنَ لَهُ مَا فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ السَّمِيْعُ الْعَلِيْمُ و در روایت
معتبر از حضرت صادق علیه السلام مرویست که فرمود برای هر آزاری این دعا بخواند
یَا مُنْزِلَ الشِّفَآءِ وَمُذْهِبَ الدَّآءِ اَنْزِلْ عَلٰى مَا بِيْ مِنْ دَاءٍ شِفَاءً
واز حضرت امیر المومنین علیه السلام منقولست که هر کرا با والمی برسد
در بدنش این دعا را بخواند تا هیچ المی و دردی باو ضرر نرساند اَعُوْذُ بِعِزَّةِ اللّٰهِ

وقدرته

وقد ربه على الاشياء اعيذ نفسي بجبار السموات والارض
واعيذ نفسي بمن لا يضر مع اسمه شيء من داء اعيذ نفسي
بالذي اسمه بركة وشفاء ... فرموده که دستها را ببوی آسمان
بردار بجهة علتي كه بوده باشد بنحوى كه در ميان حايلي نباشد مانند سقف وبگو
اللهم انك عيرت اقواما في كتابك فقلت قل ادعوا الذين ز
عمتم من دونه فلا يملكون كشف الضر عنكم ولا تحويلا
فيا من لا يملك كشف ضري ولا تحويله عني احد غيره
صل على محمد وال محمد اكشف ضري وحوله الى من
يدعو معك الها آخر فاني اشهد لك ان لا اله غيرك
وكفعمي نقل كرده كه بخط شهيد عليه الرحمه يافتم كه دست راست مريض را بگيرد و
هفت نوبت سوره حمد را بخواند و بعد از ان انشاء الله بخواند پس اگر اثر سبكى در
مرض حاصل شد فبها والا سوره حمد را هفتاد مرتبه تكرار كند كه ان شاء الله اثرى
بخشد دعا انست اللهم اذل عنه العلل والداء واعده الى
الصحة والشفاء وامده بحسن الوقاية ورده الى حسن العافية
ولا تبتلني لطول السقم ولا تزدني من سوء الالم واجعل ما ناله

فی مرتبه هذا امادة لحیواته وکفارة لسیئاته اللّهم صلّ
علی محمّد وآله واز حضرت ابی جعفر منقول است که فرمود از اهل
بیمار هر کس که مشفق تر باشد بدو کف دست خود بر دامن نهد و بگوید بسم الله
سه بار و بجلال الله سه بار و بکلمات التّامات سه بار و بعد از آن
بر سر و روی بیمار مالد شفا یابد ایضاً بجهت جمیع و بیماریها این افسون را بر آن خوانند
دفع شود و در کتب مجتنی آورده که این دعا را بر آب سرد خوانند در ساعت زنده شد اینست
بسم الله الرّحمن الرّحیم اقسمت علیک ایّتها العلّة بعزّة عزّة الله وعظمة
عظمة الله وبقدرة قدرة الله وبسلطان سلطان الله وبلا اله
الّا الله وبما جری به القلم من عند الله وبلا حول ولا قوّة الّا بالله الّا انصرف
منّی ایضا آیات کفایت را هفت مرتبه بخوانند و بر مریض دمند اینست وکفی بالله
ولیّا وکفی بالله نصیرا وکفی بالله حسیبا وکفی بالله وکیلا وکفی بربّک
هادیا ونصیرا وکفی بربّک بذنوب عباده خبیرا بصیرا وکفی الله المؤمنین
القتال وکان الله قویّا عزیزا ایضا مشهور است که حرز قلنوه را سه بار بخوانند
بر هر بیماری که بوده باشد شفا یابد باذن الله تعالی اینست بسم الله الرّحمن الرّحیم
بسم الله الملک الحقّ المبین شهد الله انّه لا اله الّا هو والملائکة

منه

واولوا العلم قائما بالقسط لا اله الا هو العزيز الحكيم ان الدين عند
الله الاسلام لله نور وحكمة وسلطان وهيبة ورحمة
وحول وقوة وبرهان وقدرة وقيوم لا ينام لا اله الا الله
آدم صفوة الله لا اله الا الله نوح نجي الله لا اله الا الله ابرهيم
خليل الله لا اله الا الله موسى كليم الله لا اله الا الله عيسى روح الله
وكلمته لا اله الا الله محمد رسول الله وحبيبه لا اله الا الله علي ولي الله اسكن
ايها المرض باذن الله الذي سكن له ما في السموات والارض وهو
العزيز الحكيم وصلى الله على محمد وآله الطاهرين روایت کرده شده از ائمه
ائمهٔ دین بواسطهٔ علما تا بحضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که هر کرا مرض و زحمتی واقع شود
باین دعا استشفای از او مخصوص میداشتند بعضی میخواندند و بعضی با خود نگاه میداشتند و
و بعضی بر ثبت مقدسه کتابت میکرده و با آب محو کرده میخوردند و از آن مرض شفا مییافتند
ولو ان قرآنا سيرت به الجبال او قطعت به الارض او كلم به الموتى بل لله
الامر جميعا ومن يتوكل على الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله
لكل شيء قدرا فالله خير حافظا وهو ارحم الراحمين فسيكفيكهم الله
وهو السميع العليم وننزل من القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنين

وصلی الله علی محمد وآله الطاهرین الخ منقول است که بجهت استشفا
این دعا را بتربت مقدسه حضرت امام حسین علیه السلام بنویسد بر کاسهٔ چینی بگلاب
شسته بمریض دهد تا بیاشامد البته شفا یابد بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله الشا
فی بسم الله الکافی بسم الله المعافی بسم الله الذی لا یضر مع اسمه
شیء فی الارض ولا فی السماء وهو السمیع العلیم وننزل من
القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنین لیف رشون هندی کرا ورا
منتر کویند بجهت امراض که بهیچ وجه به نشود سه روز صبح ناشتا بران خواند و با دران دمد بعون الله تعالی صحت
یابد ابیات مو مسرور سنن خالقنا و بالغنا ان تجلی مرتجلی للبسنا بلبسنا خسکی وسا
در دل تو دانی چنانکه محمد مصطفی صلی الله علیه و آله از دنیا برفت تو هم بود خدا بنه
که است تو برزات مشو بحق توریة و انجیل و زبور و فرقان محمد صلی الله علیه
و آله وسلم لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله و در کتاب مکارم الاخلاق از حضرت
امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده که هر گاه در نفس خود علتی یابی و از ان ترسی سوره انعام را
بخوان تا از ان علت مکروهی بتو نرسد ان شاء الله تعالی فصل دویم در بیان مداوای ادعیه
بجهت درد و ورم هر عضوی که بوده باشد: در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام
مرویست که هر که دردی داشته باشد دست بر موضع درد بگذارد و سه نوبت بگوید الله الله الله

ربی

رَبِّی حَقًّا لا اُشْرِکُ بِهِ شَیْئاً اَللّٰهُمَّ اَنْتَ لَهَا وَ لِکُلِّ عَظِیمَةٍ فَفَرِّجْهَا عَنِّی
ودردابت دیکر فرموده که بکوی بِسْمِ اللّٰهِ ودست برموضع درد مکذارد وهفت
بار بکوی اَعُوذُ بِعِزَّةِ اللّٰهِ وَ اَعُوذُ بِقُدْرَةِ اللّٰهِ وَ اَعُوذُ بِجَلالِ اللّٰهِ وَ
اَعُوذُ بِعَظَمَةِ اللّٰهِ وَ اَعُوذُ بِجَمْعِ اللّٰهِ وَ اَعُوذُ بِرَسُولِ اللّٰهِ وَ اَعُوذُ بِاَ
سْمَاءِ اللّٰهِ مِنْ شَرِّ مَا اَحْذَرُ وَمِنْ شَرِّ مَا اَخَافُ عَلیٰ نَفْسِی دیکر
فرمود که هر دردی که بهم رساند دست برموضع درد کذارد وباخلاص نیت
بکوید وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِینَ وَلا یَزِیدُ الظّا
لِمِینَ اِلّا خَسَاراً فرمود که دست برموضع درد بکذارد ومیکوی بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ مُحَمَّدٌ
رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللّٰهِ اَللّٰهُمَّ امْسَحْ
عَنِّی مَا اَجِدُ وسه نوبت دست برآن میکشی ایضاً فرموده که دیکری دست بر
موضع درد بکذارد وهفت نوبت میخوانند وافلش سه نوبت اَیُّهَا الْوَجَعُ
اُسْکُنْ بِسَکِینَةِ اللّٰهِ وَقِرَّ بِقَرَارِ اللّٰهِ بِوَقَارِ اللّٰهِ وَانْحَجِزْ بِحَاجِزِ اللّٰهِ وَاهْدَاْ
بِهَدْءِ اللّٰهِ وَاُعِیذُکَ اَیُّهَا الْاِنْسَانُ بِمَا اَعَاذَ اللّٰهُ بِهِ عَرْشَهُ وَمَلائِکَتَهُ
یَوْمَ الرَّجْفَةِ وَالزَّلازِلِ ودرکتاب دروس شیخ شهید علیه الرحمه آورده که اکر کسی را درد

در درد شپه باشد بر قدح آب جهل نوبت سورهٔ حمد را بخوانند و آن آب را بر مریض بپاشند و مکبا را کندم پر کنند و بسم الله بدست خود بدهد و او را امر کنند که بجهت او دعا کنند تا عافیت یابد و دفع و رفع آورده که بمشک و زعفران بنویسد و بپاشد و صاحب درد ببندد تا شفا یابد اینست بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله المبارک العظیم یا طعمها یا کبا عها ططفشا محیلا یا نجهشا العشا الحیطنا یا هلیطا یا شیشا یا بزهیثا یا شجشا یا لجیشا طاعوطینا یا لقا کفشثبا وصلی الله علی محمد و آله الطیبین الطاهرین لقفیا بزعفران بنویسد و بپاشد اللهم لا تقتلنا بغضبک ولا تهلکنا بعذابک وعافنا قبل ذلک اللهم لا تؤاخذنا بسوء اعمالنا ولا تسلط علینا من لا یرحمنا وکف اذی الظالمین عنا باحفظنا وحصل سرائرنا وکثیرا سودنا برحمتک یا ارحم الراحمین ایضا بجهت امراض ازین تعویذ را بخط هندسه بر ظرف بنویسد و بپاشد یا دائم الابد والمحصی بلا عدد والقوی بلا مدد دائم بلا ولد والمجد وغد وهو السید السند الواحد الاحد الصمد الذی لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد و از حضرت ابی عبد الله علیه السلام

مرویست که دست بر محلی که درد میکند نهد و سه نوبت بگوید اللهم انی اسئلک

اسئلک بحق القرآن العظیم الذی نزل به الروح الامین وهو

عندک فی ام الکتاب علی حکیم ان تشفینی بشفائک و

تداوینی بدوائک وتعافینی من بلائک وصلی الله علی

محمد واله الطاهرین وصاحب در مکنونه این یازده حرف را خواص

عجب ذکر کرده اب ث ت ط ظ ف ك ل لا ی و بعضی [illegible]

است که اگر کسی را در عضوی از اعضا دردی بهم رسد مثل رمد وصداع

و درد سینه و شکم و باد و غیر آن از اوجاع ظاهری و باطنی باید که حرف اول اسم

عربی آن عضو بگیرد و در میان این حروف یازده گانه درج کند مثل درد چشم حرف اول

از اسم عربی او که عین است ع میباشد و درد سر حرف از اسم عربی رأس است

ر است و علی هذا القیاس سایر اعضا بدینگونه امتزاج دهد اع ب اع ث اع ت

ع ط ع ظ ع ف ع ك ع ل ع لا ع ی ع و بعد از امتزاج ترکیب دهد بدین نوع

اعبع ثعتع طعظع فعكع لعلاعیع و اگر بار ثالث امتزاج داده باشد ترکیب

آن برای درد سر ادبر ثرتر طرظر فرکر لرلا دیر بعد از آن صاحب درد

رفعه را با خود نگاه دارد و اگر باد بره ندهد و در دست کسی نشود حرف سوم اسم
آن عضو را بهمین اسلوب در ذیل معمول امتزاج و ترکیب داده با خود
دارد تا نتیجه مترتب شود و اگر آن نیز نبخشد حرف سیم آن اسم را هم
بهمان اسلوب در ذیل معمول بعمل آورد البته آن وجع زایل شود و بعد
سایر امراض که بر بدن واقع گردد عمل را بموجب است و در بسیاری از مطالب
و مقاصد این عمل را اجرا می توان کرد والله اعلم [illegible] امتزاج حروف
اسم عضوی مثلا با اهی بدستور متصل و منفصل همچنین [illegible]
مثلا مدر را اعاه اهه انه با منفصل اعم ه ای ان ه و بعضی حروف عضو
مثلا را بعد از حرف اهی بطریق اتصال و انفصال بدین طریق معمول داشته اند اهع اهی
اهن با منفصل اه ع م ا ه ی ا ه ن والله اعلم فصل در بیان مداوی علل
و امراض بتربت مقدسه و آب نیسان اخذ عار بر تربت مقدسه و بیمار را آن بخورد [illegible]
کم از نخودی بسم الله الرحمن الرحیم اللهم بحق هذه التربة المبارکة الطاهرة
المطهرة وبحق الملک الذی هو ضامنها وبحق الملائکة الموکلین علیها وبحق الو
صی الذی وارثه اجعل فی هذه التربة لی رزقا واسعا وعلما نافعا وعقلا

کاملا

ضماد انگشت پوست درخت لسان العصافیر نیز مجرب است [illegible] بجهت منفجر

وگشودن شدن خراج حضرت امام علی النقی علیه السلام بجهت متوکل ملعون

[illegible] بلیه مبتلا شده بود مداوا فرمود که سرگین گوسفند را که در زیر دست و پای گوسفندان

ریزشده میشود گرفتند و با گلاب مخلوطا کردند و بران خراج گذاشتند منفجر گردید

دمامیل داکثار بول وصداع دست بران نهد و بگوید اسکن سکنتک

بِالَّذِی سَکَنَ لَهُ مَا فِی اللَّیلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ السَّمِیعُ العَلِیمُ

و در بحر المنافع آورده که بجهت دفع بثور و دمامیل و اماس اینها که ذکر کرد

اینها بنویسد یا مَبثُوثُ فی جبلِ الذی لا یموتُ مُتْ بِحَقِّ الحیِّ الذی

لا یموتُ اینها بنویسد و بران بچسباند [illegible] لو یح [illegible] بجهت دفع

خنازیر و دمل و جراحات و خنازیر و غیره خراج که ان بدن انسان بیرون

می آید که ذکر کرد انرا حک کنند و این شکل را بقلم خشک بنویسد با برگ غذ بنویسد

این شکل را و بران بچسباند انست

یا تملیخا یا هلیخا یا [illegible]
بحق بسم الله الرحمن الرحیم
لا اله الا الله محمد رسول الله

[illegible] این ابیات را بر آب خواند

و خنازیر و دمل و خراج و اورام فرو نشیند و جوه نمود ار کرده باشد چنین

٤٢

کند که زیادت بیرون نیاید انت الحکیم العروس تحتضل فقال
او نکتحل کل شیء تعتقل غیر ان لا یرضی ترتحل
این آیه را برخان خواند و بر جراحت خواند و بند عمل
صحت یابد منها خلقناکم و فیها نعیدکم و منها نخرجکم تارة اخری این افسون را بر انکشت بر صوف
خواند بر زخم نهد و بر دیگران بندد نیکو شود اینست طایر منا تمتشاشو و ۱۴
اندر اگر این افسون را بر خاکستر خواند بر زخم افکند نیکو شود و درد نکند مجرب است اوام ناپسند توای جوان آورده اگر زخم با جراحتی
خون و ریم بسیار آید و نه ایستد خون که و بران بمالند در حال و اگر کمیز کودک
نابالغ با خاکستر مرهم کند و بر جراحت مالد نیکو شود و خاکستر بر زاغ نیز همین
خاصیت دارد نبشته بجهة قدح و جرح این آیه را بر مغث پاره کلوخ هفت
بار بخواند بر هر پاره یکبار و بر زخم مالد و در آب روان اندازد شفا یابد ان شاء
الله تعالی ایود احدکم ان تکون له جنة من نخیل و اعناب
تجری من تحتها الانهار له فیها من کل الثمرات و اما

الکر

الْكِبَرُ وَلَهُ ذُرِّيَّةٌ ضُعَفَاءُ فَأَصَابَهَا إِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ فَا
حْتَرَقَتْ كَذَالِكَ يُبَيِّنُ اللهُ لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ

و در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق ع منقول است که هر که را دری
یا جز حق باشد کاردی را بگیرد و بر آن موضع بمالد و بگوید بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
بِسْمِ اللهِ اُرْقِيكَ مِنَ الْحَدِّ وَالْحَدِيدِ وَمِنَ الْأَثَرِ وَالْعُودِ
وَمِنَ الْحَجَرِ الْحَجَارِ وَالْمَلْبُودِ وَمِنَ الْعِرْقِ الْفَارِقِ وَمِنَ
الْوَرَمِ الْآخِرِ وَمِنَ الطَّعَامِ وَحَرِّهِ وَمِنَ الشَّرَابِ وَ
بَرْدِهِ امْضِ إِلَيْكَ بِإِذْنِ اللهِ إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى فِي الْإِنْسِ
وَالْأَنْعَامِ بِسْمِ اللهِ فَتَحْتُ بِسْمِ اللهِ خَتَمْتُ پس آن کاردرا

بر زمین فرو برد دفع اگر در بدن بهم رسد مانند خشک و دردی و جوشش
که زرد آب از آن تراود خطی بر دور آن بکشد و در وسط آن بنویسد تُوماً
تُوماً مَرَّ نَاتاً ادعلى اصواتاً وهي تمر مر السحاب صُنْعَ اللهِ
الَّذِي أَتْقَنَ كُلَّ شَيْءٍ إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ بهمان دستور در
صباح بناشتا بنویسد و اگر روز چهارشنبه باشد بهتر آنست هر یف مرتفه

حتی تنحت الطریقه ایضاً در صباح بهمان طریق بعمل آورد فوائد
کرمن کرفوهن سالا خشلک باذبحی الملک القدوس ایضا
بتجربه رسیده است که بربسته قطعه چوب بید برا این اشکال بنویسد و بجای
بیاویزد و چون چوب خشک شود اثر آن بر طرف شود اول خلقه بلقه
خلق خالق بالغ بوجاد الله دوم ثلقه بلقه خلق خالق بالغ سیم کشد
اد دیوم باسم فلان ابن فلان ایضا در خواص آیات قرآن آمده که هر که
آیه ویسئلونک عن الجبال فقل ینسفها ربی نسفا فیذرها
قاعا صفصفا لا تری فیها عوجا ولا امتا بر ظرف سیاهی بنویسد
و بروغن بنفشه محو نماید و بر دمل و بر آبله و جراحتی که در بدن باشد بمالد شفا
یابد ایضا در نسخه دیگر بنظر رسیده بجهة دفع ریش و جرخر بر دوران خلق
بسیاهی بکشد این دو آیه را بر آن خوانند خشک شود اول کمثل حبة تا
من قرار که قبل از این در اول همین فصل ذکر شده و آیه دوم ویسئلو
نک عن الجبال تا امتا که در فوق قلمی شده ایضا عرق مدنی که رشته گویند
و در مو بنز نامند و از اهویه کثیفه و میاه غلیظ بهم رسد خصوصا در بلاد و لار

واکثر ازان مقعد مانند غائط بیرون می اید باید بجوباد و مانندان مرو زنجد برفق
تا تمام بیرون اید و پاره نشود که هرگاه قطع شود از جایی دیگر بیرون میکند و در کتاب
مجربات ملا اخلاق مذکور است که بجهة عرق بدنا پنم شتر را بدست بکنند نه بکارد
و مقراض و نشاید و هشت گره بران بزند و بر کرمهی سوره حمد بخواند بسه
مرتبه دیگر بران شخص این دعا بخواند بسم الله الاحد الاحد المحصی العدد
القریب لما بعد الظاهر من الولد العالی عن ولد المنجز بها و علی
العزیز بلا عود القوی بلا مدد لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد
یا خالق الخلیقة یا عالم السر و الخلیفة یا من السموات بقدرته
مرخاة یا من الارض بعزته مدحوة یا من الجبال بارادته مرساة
یا من نجی به صاحب العرق من کل افة و بلیة صل علی محمد
و آل محمد خیر خلقک و اشف اللهم فلان ابن فلان بشفائک
و داوه بدوائک و عافه من بلائک انک قادر علی ما
تشاء و انت ارحم الراحمین و صلی الله علی النبی محمد و آله
هنوز بیرون نیامده چون شروع کند بجا ریدن بران بند بسد بیشونک

عن الجبال فقل ینسفها ربی تا آمتا که در همین فصل ذکر شده و بر

بران بمالند نافع باشد — این معجون را بجهت عرق مدینی اطبا نافع

دانسته اند و خواص که استشفای فرموده اند پوست هلیله پوست بلیله آمله

مقشر بزر سفید زنجبیل قنبیل بالسویه با عسل بوزن ادویه بسرشند

و مرهمی که تجربه دیده اند آن کرده اند و هر که عرق پاره شده باشد موضع

را بطول بشکافند و این مرهم را باید استعمال نمود موم مردارسنگ خاکستر

۲ مثقال ۳ مثقال

اینک موم را با روغن گداخته ادویه را مخلوط کند و بجهت التهاب بزر

قطونا را با روغن بنفشه مخلوط کرده استعمال نماید [illegible]

که بر ریسمانی که دختر نابالغ تابیده هفت گره بزند و بر گرهی هفت بار

بخوانند و بر صاحب عرق مدینی بندد دفع شود و اگر بر عورتی بندد که فرزند

نارسیده از وی جدا شود ببندد سالم ماند ان کل نفس لما علیها حافظ فلینظر

الانسان مم خلق خلق من ماء دافق فالله خیر حافظا وهو ارحم

الراحمین — مکرر این رباعی را بخوانند و بر آن دمند دفع شود. الهی درد ها را از

تو دارو ده شفابخشی مرا اندر دنا رو شفایم ده ازین دردم الهی بحق نور لم یسبه

برانمودفع بقلم خشک بنویسد یاعلیفا یاطلیفا انت طولی باسبفا دفع شود این شکل را برحوالی آن بنویسد باذن الله تعالی زایل گردد

طلقه	
الله	علقه
ملقه	

تادو

شبوربطه را انزا لیفارسی نیز گویند

وان بثوری باشد که ازحرارت وخون حادث شود زرد لب تراوش کند و زود خشک ورشه گردد وبا دحکه وحرقت باشد ودر اندرون او کما تنگ باشد ودر ابتدای ان سرخ طاوسی مانند زبانه آتش باشد معالجه ان حفض و کافور را بالعاب بیکو ضماد سازد ماز و فوفل با سرکه نیز مفید بود از حلاوی و گوشت احتراز باید نمود وهچنین مرداسنج را با سرکه سحق نما بند و بر وعنو کل تقطر نموده بعید از ان فلعی سرشته ضماد نما بند ان شاءالله تعالی رفع رد افسون چندی بجهت قروح وجروح وسایر آثار ها و کوفتها مانند آتشک وجذام در فصل دفع خنازیر وسرطان وسرخ باد وغیره وعنقریب مذکور خواهد شد

لعنی بثور خبر منفجح با حمرت وخارش قطعه قطعه کرا ادرا بفارسی آبو و کهین خوانند صبر زرد ومرصاف وعدس با سرکه وعسل بمالند

و بدستور سرکه با بوره و حنا و زعفران لغایت مفید است و آشامیدن یکدرم فی فلفل اهل
با آب سرو از مجربات است و بدستور طلا نمودن دم هلیله زرد با صبر زرد و انچه
با حرارت باشد ما ییدن آرد جو و با آب کاسنی و آب کشنیز و بدستور آب در خت برك
در خت ماضدن و پوشش در بندری از مجربات لنت در ساعت دفع نماید اما
ناسور کران را نهایت بقدر نخود و برزگ ز دکه جکر که بر حوالی مقعد و گوشه
چشم و بینی و سایر جاها پدید می آید و بسبار خارش کنند و چون تکه فقه شود و زاد
آب با کف بیرون و شاه و استخوان آدمی را سوخته خاکستر آنرا با لعاب صبر سوده
و طلا کنند اگر چه کهنه شده باشد دفع شود و تحفة المؤمنین این مرهم را بجهة ناسور
و با صدد قرحها و غیر قرحها ذکر نموده زرد چوبه مرداسنج هر یک ده درم نرم
سا ئیده و با چهار مثقال روغن گل و ده درم موم و آب خادص بقدری که آدرد
سیلو شد با آتش چندان بجوشانند تا مرهم شود و نهاده نمایند از طبیبی استماع شد
و بتجربه نموده شد پاک بکلائک زعفران بکرانک مرجوبه یک مثقال کوبیده
با مخ البیض سرشته با روغن گل و با روغن کنجد منضم نموده طلا نمایند
نافع است تا ببندند

[illegible] منقول است که بخدمت امام رضا علیه التحیة والثناء عرض
کردم که ثالول بسیار رسته که بفارسی گندمه گویند در بدن من بهم رسیده است
و باین سبب غمگینم حضرت فرمود که از برای هر ثالول هفت جو بگیر و بر هر جوی
هفت بار اذا وقعت الواقعة تا هباءً منبثاً و هفت نوبت و یسئلونک عن الجبال
تا قوله امتاً بخوان پس هر جوی را یکبار بر هر ثالول بمال و مجموع را در پارچه
نوی ببندد و سنگی بران بندد و در چاه کنیف بیندازد وی بهتر آنست که این عمل در
تحت الشعاع بکنی راوی گفت چنان کردم بعد از یک هفته تمام برطرف شده بود
و از حضرت امام جعفر صادق ع منقول است که دست بر ثالول بمالد و سه نوبت
ابتدا را بخواند بسم الله وبالله محمد رسول الله صلی الله علیه
و آله ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم اللهم امح عنی ما
اجد در حدیث امیر المؤمنین ع مرویست که در کسی تا هفت روز پی در
پی در ثالول بخواند زایل شود و مثل کلمة خبیثة کشجرة خبیثة
اجتثت من فوق الارض ما لها من قرار و بست الجبال بساً
فکانت هباءً منبثاً [illegible] برکندم بخواند که انسنی یا ولی الله ان

کندم را بر خوران بمالد و در زمین نمناک دفن کند ایضاً سوره توحید را
بعدد آن بر کندم خواند و بران مالد و بدستور در زمین نمناک دفع کند زودی
دفع شود ایضاً وصله نمک بردارد و بران مالد و سه نوبت لو انزلنا هذا القرآن
سوره حشر که آخر مذکوره قبل از این در خوردن زیت مقدس مذکور شده بران
خواند و در تنور سوزان اندازد باز کرده دفع کردد ایضاً این اشکال را بر کاغذی
نویسد و بر ثالول مالد و در زمین نمناک دفن کند چون کاغذ مضمحل شود ثالول
نیز به تحلیل رفته زایل کردد اشکال اینست [illegible] ولا کسوا السجد ده
[illegible] در خواص نخود کفته اند که چون در اول هلال بعدد ثالیل بهر یک از آن
از آن یکعدد نخود را مالیده مجموع را در لته بسته از میان مرده یا از بالای شانه آن
لته را بجانب عقب بیندازد و در آخر ماه جمیع ثالیل برطرف شود و دیگر منافع آن
رده اند که بعدد زخ بعض ثالول در شب یکشنبه دانه ماش شماره کند و در لته بندد و
بامداد بچاه [illegible] ماشی را هفت بار بر ثالول بمالد و با هیچکس سلام نکند و جواب
ندهد و سخن نکوید در خلا یا چاه آب اندازد و چون ماش کنده و مضمحل شود تا
ثالول را زایل کردد ایضاً انگشت وسطی دست راست بر کف دست چپ بمالد

مِنْ ذُخِّ ذُخا

دست دفعه این افسون بخواند و بر ثالول دمد دفع شود عن ذُخِّ ذُخا تلبشلهٔ
ذخا فما له من قوة و لا ناصر بعد از نماز بامداد سه بار بران خواند بر
طرف شود بسم الله الرحمن الرحیم اَنَخْ ذَخْ مَتَخْ ذُخْ تَنَدْ ذُخَة فما
له من قوة و لا ناصر و در بعضی از نسخ اطبّاء بنظر رسیده که اگر کسی زاغ
را در دفتی که از آب بیرون می آید بگیرد و بر ثالول بمالد بعد از ان بعد از ان او را
بجز قشر ببندد و در زیر سنگ گذارد ثالول زایل گردد و همچنین گفته اند که بهشته دفع
ثالول و فوبا جعل را بکیب بیده بمالند در روز زایل گردد ... ادر
که ان گوشت زابیده است که در زیر پوست بدن آدم حادث میشود مانند نمد و جر کث
منها بد در گوشت بدن و ان را علاقی باشد که از عضو خارج بود و مقدار او از
نخود مثالیطبحی ملیباشد و در حدیث دیگر منقولست که شخص بخدمت امام جعفر
صادق ع عرض کرد که کنده و ماده در بدن من ظاهر شده است حضرت فرمود که
سه روز روزه بدار و در روز چهارم در وقت زوال غسل کن و بصحرا یا بام
بلندی برود و چهار رکعت نماز بگذار بهر سوره که میخواهی بخوان و تا توانی
سعی کن که در گریه و تضرع و خضوع و خشوع و حضور قلب باشی و چون از نماز

فارغ شوی جلبهای خود را ببندد از دجامهٔ کهنه پاکیزه لطریق لنک در بر خود ببندد
و بر خاک بسجده برو و پهلوی راست و روی خود را بر زمین بگذار و بزاری و خضوع
این دعا را بخوان و در آخر فرموده که در دقتی تا ثیر میکند که خاطر مطمئن باشد و صاحب
یقین باشی که تاثیر میبخشد آن شخص چنین کرد و بزودی عافیت یافت دعا
اینست یا واحِدُ یا اَحَدُ یا صَمَدُ یا کریم یا جبّارُ یا قریبُ یا مُجیبُ یا ارْحَمَ الرّاحِمین
صَلِّ علی مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ واکْشِفْ مابی مِنْ ضُرّی وَاَلْبِسْنی الْعافِیَةَ الشّافِیَةَ
فی الدُّنیا وَالْآخِرَةِ وامْنُنْ عَلَیَّ تَماما النّعْمَةِ واذْهَبْ مابی فَقَدْ اذانی
وَغَمَّنی تنقیه چون سورهٔ انشاق را بر سلعه خوانند آنرا ساکن کرداند تنقیه اخر
که بفارسی کچلی نامند بغایت اذمودست سر اتراشیده بروغن کنجد چرب کنند
وکشک سوخته و پشم سوخته و جو سوخته را بالسّویه بپاشند جهت خنازیر
مجربست زرد چوبه برگ حنا هلیله زرد و عفص و مازو و مرداسنج دامن [illegible] که هر یک
جزوی روغن گل سرخ چهار جزو ضماد نمایند نافع باشد ان شاء الله تعالی جهارم
در دفع خنازیر و سرطان و حمره داء الکلب و فالج و لقوه و کلف و جذام و داء الثّعلب
و غیران و در حدیث معتبر از حضرت امام رضا علیه السّلام منقول است که فرمود که

در خانه مادر کردنش خنازیر احمر بهم رسیده بود شخصی در خواب بمن گفت که بگو

این دعا را تکرار کند یا رؤف یا رحیم یا رب یا رب یا سیدی

پس چنان کرد عافیت یافت بجهة دفع خنازیر باید در روز اول بازیک جهل

یک گره بزنند و در هر گرهی که زنند این دعا بخوانند و در گلوی او بندد صحت یابد ان شاء الله تعالی

بسم الله الرحمن الرحیم اعوذ بعزة الله وقدرة الله وعظمة الله وبرهان الله

وسلطان الله وکنف الله وجود الله وامان الله وحوز الله وبطش الله

وبهاء الله وجلال الله وکمال الله لا اله الا الله محمد رسول الله من شر

ما اجد برحمتک یا ارحم الراحمین النبی در کتاب مکارم آورده که سه روز بر

خنازیر سه بار بخواند بسم الله وبالله والله اکبر هو فیا مرک ان لا

نکبر پس سه بار باید گفت ابتلیت بالنقص قبل ان یلتبک بی بلیة و در هر

بار آب دهن بر آن باید انداخت منتر مندرج بجهة جمله بادها و دردها و ورمها و قروح

و جرب و حکه در صفت الذام بهم رسد مانند خنازیر و سرطان و نقرس و هر علتی که هیچ

دوا چاره پذیر نباشد و هر جا که علت بود بر پارچه کاغذ نویسد و بر آن بندد و دیگر

بنویسد و بشوید بخورد در سه روز متوالی صحت یابد باید و غش باد ام تلخ نسبی یکبار

بخواند بر عضو متألم بمالد نفع یابد د جهت دفع دیو و پری و سحر و جادوی بدستور
بران روغن خواند و بر اعضا مالد یا چهل و پنج بار بر آب خواند و دران غسل کند دیو بدبختی مر
دفع شود د جهت دفع درد شکم پانزده بار بخواند صحت یابد بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ
أَفَأَمِنُوا أَمْ هُمْ كَفَرُوا مَا كَبُرَ اَحْمَاۤ نِرْحَمَا أَوْ أَمُنَّتْ بِهَتْ سَوَاهَا

خنازیر باشد اگرچه بسر حد زخم رسیده باشد بیاید بعد ذکر مهابا زخمها
تخم مرغ و بر هر یک این طلسم بنویسد و در حال نوشتن این دعا بخواند حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالدَّمُ وَلَحْمُ الْخِنْزِيرِ وَمَا أُهِلَّ لِغَيْرِ اللّٰهِ بِهٖ فَمَنِ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ
وَلَا عَادٍ این تخمها را در گورستان کهنه دفن کند بطریقی که بر بالای هم باشند چون تخمها
بنیاد خشک بردن کند باذن اللّٰه تعالی خنازیر کم شود و این مجرب است

هرکه ۱۱۱ بع ۲ ۱ ۱۱۱ ۱ ۷ ۱۱۱ امع ادبا ۱۱۱ ع ۱۱۱

اهطلمم ۹ ۱۱۱ ه ۱۱ ل ۱۱ و ۱ ۱۱ ۱۱۱ ۱۱ ۱۱ ۱۱ امهر ۷ ۱ ۹ ۱۱۱ ۵ ۱۱ ۱۱۱

طلمامح ـ ه لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم یا دیّان یا غنی
بشم خنازیر فلان ابن فلان بجرمت یا ماوف یا رحیم یا رب بجهت خنازیر
بعد از انکه نماز دیگر گذارده باشی دو دارده بار یا سیزده بار بخوان و بران دست

فردو...

فرو برسه جا اسد وفصدی بحجا بی سند فبولاه خنجر بحق ابراهیم خلیل الله — دهها مرهی

بجهة دفع خنازیر وعمل و اماس کلو وغیره خراج در ان موضع بنویسید

بسم الله الرحمن الرحیم یا مبثوث فی جبل من یموت اخرج بحق حی الذی لایموت ایضا این شکل بنویسید و بر موضع خنازیر بندد دفع شود مجرب است لح لا والوسح وایضا صبا. بتجربه یافته اند که چون شرب را باب

کاسنی لب بیند تا غلیظ شود و روغن گل با روغن بادام بالسویه بر سرطان متقرح

وجرب حار و مکرر حار دو اورام حاره ضماد نمایند نافع باشد و اگر باب کشنیز وبیخ

بارتنگ بسایند بدستور نافع باشد ایضا من هندی بجهة دفع باد سرخ و آتشک

سه روز بعد از طلوع وغروب آفتاب بران خوانند و کارد آهنی کردسته آن نیز آهن

باشد بدست بگیرد و بدان حمله آورد و اشاره نماید بر طرف شود یا چند خاشاک

بشانند و بر صاحب باد سرخ و آتشک فرود آورد بعوض کارد سه روز چنین

کند دفع گردد اینست این سرخ برآید بادان سرخ و بیاد کیاه

سرخ برآید بز سرخ بچرید هل هو هو هل هو هو نه بابا بگوید

وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ وَبِالْحَقِّ أَنْزَلْنَاهُ

وَبِالْحَقِّ نَزَلَ هل هو هو هل هو هو پنج بار بگوید پس بگوید اَيُّهَا الرَّجُلُ الرَّحمن

تَحَوَّلْ اِلٰى مَنْ يَزْعَمُ اِنَّ مَعَ اللّٰهِ اِلٰهًا اٰخَرَ فَاِنَّهُ يَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ

الْحَيُّ الْقَيُّومُ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ جهة باد سرخ و دمه [illegible]

وغيره او نام جاره ها با مداد بلعاب دهن بخواند و به مد و انرا بر

دو دطلا كنند دفع گردد بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ الْحَا يفوا فالمايقوا

اٰنوبا میا بجرمة لعاب دهن مصطفی صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ [illegible]

خنازیر بنویسد و بر گردن مریض بندد شفا یابد بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ عَقَدْتُ

خنازير فلان ابن فلان في الاد لعا سلخ شهر ختم بالنجم و الظفر وما

رَمَيْتَ اِذْ رَمَيْتَ وَلٰكِنَّ اللّٰهَ رَمٰى بسم خنازير ابن فلان نلان بحق بسم الله و

فِي اَمَانِ اللّٰهِ وَحِرْزِ اللّٰهِ وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْاٰنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْ

مِنِيْنَ بحرمة محمد و علی و الحسن و الحسين و بحق الْقُرْاٰنِ الْمَجِيْدِ اِنَّمَا حَرَّمَ

عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنْزِيْرِ وَمَا اُهِلَّ لِغَيْرِ اللّٰهِ بِهٖ فَمَنِ اضْطُرَّ غَيْرَ

بَاغٍ وَلَا عَادٍ اِلَّا بِه عععععععععععععععععععع عععععععععععععع

ععععععععععععععععع ععععععععععععععععع

٤

ععععععععععععععععلح ـــ ١٢٣٤٥٦٧٨ ـــ ٩ ـــ ١ ـــ و

١١٢١٥١٣١٤١٥١٦١٧١٨ ١ ٩ و ـــ ٢٢٢٣٢٤٢٥٢٦٢٧٢٨٢٩ ـــ و

بسم بخند زبراین فلانه فلان درشهر صفر بحرمة جميع الانبياء والمرسلين وبحرمة جميع

الملائكة المقربين یا کهیعص یا حمعسق وبطه وطسم ویس برحمتک یا ارحم الراحمین

الغنا بجهة دفع درد ان بخوانند وخوی بران افکند دفع شود مجرب است بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله دفنش نو قل هو الله احد دفتنی برکوه شدی اب دادم خوش

شدی بروای کرد نخوش شو نو نجی لا اله الا الله برکوزه نفالی

یا لفش بنویسد ومحموده بخورانند بجهة جمیع بادها خصوص حمره نافع است بسم الله

علیها ملیفا انت تعلم ما فی قلوبهم ملیقا الغین بنویسد وبوی خورا نزد افسون

کند بسم الله الرحمن الرحيم اللهم صل على محمد وال محمد بحق لا اله الا

الله محمد رسول الله بحق اسم الله الاکبر بحق کهیعص وبحق حمعسق ای خبث

بزرگ مشو خدای من بزرگ است رسول خدا در دنیا بود او را جان بشد تو نیز از جان

بشد تو نیز از جان بشو همچو کوه امری همچو نمک بگداز بسم الله الرحمن الرحيم كانهم

حمر مستنفرة فرت من قسورة ان یشا یسکن الريح فيظللن رواكد على ظهره

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ يَا أَيُّهَا الشُّحُّ ذُبْ كَمَا
يَذُوبُ الْمِلْحُ فِي الْمَاءِ وَالنُّحَاسِ فِي النَّارِ دَامَاتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ
وَآلِهِ وَاُرْحَلْ مِنَ الدُّنْيَا فَارْحَلِي مِنْ هَذِهِ النَّفْسِ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
أَجْمَعِينَ مجرّب دانسته اند جهة دفع حمره که انرا باد سرخ گویند اگر انموضع
را تیغ زنند تا خون بر آید بعد از ان از آب عصا رحی العالم که انرا همیشه
بهار گویند بر انموضع طلا کنند بنحوی که خون با آب ان مخلوط گردد جهة
باد سرخ و کل ادرام حاره مجرّب است که را از نافه بیخته از آب کشنیز
رقیق بر شنده ان مقدار بر هم زنند که بجرا ابنکی بر طرف شود
در کتاب خزانة الاسرار از حضرت امام جعفر صادق ع روایت کرده
که سوره غاشیه را بیست یکبار جهة بادهای که در اندام باشد خصوصا
باد سرخ بخوانند زایل شود ان شاء الله تعالی دفع علتیست
که دست و پا و اعضا را سست و بجص و بیجان ... جنبش که
صاحب ان تصور میکند دان عضو آزو افتاده است این آیات
را بنویسد با خود دارد و بر ان نیز بخوانند نافع است بسم الله الرحمن الرحیم

وهو العزیز الحکیم بر آن بخواند استعمال نماید ان شاء الله تعالی   مجرب

بار [illegible] هر یک از فاتحه و آیة الکرسی و اخلاص و معوذتین و حمد را هفتاد نوبت بخواند

بر آب باران [illegible] که قبل از رسیدن بزمین گرفته باشند و بر دوات دیگر قدری تکبیر و تهلیل

و صلوات بر پیغمبر [illegible] نیز بهمان قدر بخواند و هفت روز متوالی صبح و شام ازآن   ل

بیاشامد شفا [illegible] هر دردی که در بدن او باشد و هر خوی بدی که در آن باشد اگر شیطان

بود دفع شود از او ان شاء الله و هر فرزندی که خواهد از زن بزاید و ماده [illegible] شود و درد چشم

و سر را نافع بود و پنج دندانها را محکم کند و دهن را خوشبوی کند و دفع کند [illegible]

را از دهن و بلغم زرد و تخمه را و بادها را از دو فالج و زکام و درد پشت و شکم و دندان و

معده و کرم اسهال و قولنج و ناسور و حکه و آبله و جنون و جذام و برص و رعاف و [illegible] و کوری و

کری و گنگی و زمانت و آب سیاه از چشم فرود آمدن و درد ناف و سموم و جمله

وسوسه جن و شیاطین و خیانت و غش و غضب و خشم و کبر و بخل و حرص و غصب و عداوت

و افتادن در زبان مردمان و هذیان را نافع بود . آب هر باران که باشد بگیرد و حمد

و توحید و معوذتین هر یک را هفتاد بار بر آن بخوانند و هر صبح و شام قدحی از آن بیاشامند

حدیث رسول صلی الله علیه و آله [illegible] بخدای که مرا به نبوت اختصاص فرمود که برای

هر علتی و المی که باشد از بن آب آن علت از بدن و استخوان و عروق بدر رود
بیرون میبرد والله اعلم … در مداوای علل و امراض متصدق …
قربان کردن و غیران بدانکه صدقه دادن بلیات را دفع میکند و علل و امراض از
زایل میکرداند و در عمر و روزی می افزاید و دعا بدرجه قبول میرسد و اجابت میکردد
و احادیث بسیار طبق این اثبات از حق و احصا وارد شده … دعا کردن در حین
تصدق بیمار بدین رحیمان است که اول این دعا را بخواند و بعد از آن موازی یکدینار
شرعی که چهار دانک نیم مثقال است از تصدق کند به پنج نفر یا بیشتر از مستحقان
که علوی نباشند مگر آنکه بیمار علوی باشد که در این صورت بمستحق علوی دادن
ضرری ندارد و دعا اینست بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ
بِاسْمِكَ الَّذی اِذَا ذُکِرْتَ بِهِ سَجَدَتْ لَهُ الْمَلٰئِکَةُ وَسَبَّحَتْ وَبِالْاِسْمِ
الْقُدُّوسِ السَّلَامِ الْقَدِیمِ وَبِالْاِسْمِ الْمَخْزُونِ الْمَکْنُونِ وَبِالْاِسْمِ الَّذی
سَمَّیْتَ بِهِ نَفْسَكَ وَبِالْاِسْمِ الَّذی هُوَ مَکْتُوبٌ عَلی سُرَادِقِ الْعَرْشِ وَ
وَبِالْاِسْمِ الَّذی هُوَ مَکْتُوبٌ عَلی سُرَادِقِ الْبَهَاءِ وَبِالْاِسْمِ الَّذی
مَکْتُوبٌ عَلی سُرَادِقِ الْجَلَالِ وَبِالْاِسْمِ الْکَبِیرِ الْاَکْبَرِ وَبِالْاِسْمِ الْاَعْظَمِ

الاعظم المحیط بملکوت السموات والارض وبالاسم الذی به
تجتمع به الحشر علی الماء فلم تتبتل قدماه وبالاسم الذی کشفت به ضر
ایوب وبالاسم الذی ذهبت به الترکی یا اجمی ان تشفینی من ما ضی حا
الذی انا فیه ودر بعضی از کتب سطور است که از جهت شفای بیمار چهل یک پول سید
که هر یک عبارت از یکبار یک است از سر بیمار بچیند تا پایش با وجهل ویکبار سوره اذا
بخواند وهر یکبار بخوانند یکپول سیاه را از روی بیمار بردارند وبعد از آن پولها
را تصدق نمایند بچهل یک مسکین بدهند که مجرب است [illegible] دعا کندم
در حدیث از داود درزی روایت شده که گفت بیمار شدم در مدینه بیماری سخت بدی
چون این خبر بحضرت صادق علیه رسید بمن نوشت که یکصاع گندم بخر و بر
پشت بخواب وان گندم را بر سینه خود بریز ونثار کن وبگوی اللهم انی اسئلک
اسئلک باسمک الذی اذا اسئلک به المضطر کشفت ما به من
ضر ومکنت له فی الارض وجعلته خلیفتک علی خلقک ان تصلی
علی محمد وال محمد وعلی اهلبیته وان تعافینی من علتی پس درست بنشین
وگندم را جمع کن وباز این دعا را بخوان وان گندم را بچهار قسمت کن وهر قسمتی را

بفقیری بده و باز این دعا را بخوان داود گوید چنان کردم گویا کز از بند رها شدم و
بسیار کسان کردند و شفا یافتند قربان کردن بکمر دو گوسفندی به نیت قربا
فدای بیمار دستش و نیت این دعا را بخواند بر دهان گوسفند بدمد در حین ذبح این دعا
بخواند اللهم هذا شاة لک و من فضلک و کرمک و صل الی و انا
افدیها بعبدک فلان بن فلان و غلام بیمار و بدین اش نا بیرد اللهم ان
هذا فداه و دمه بدمه و لحمه بلحمه اللهم فتقبل منی کما تقبلت من خلیل
ابراهیم حین فدی لولده اسمعیل بحرمة محمد رسول الله صلی الله
علیه قال اللهم ان هذا لک انه فداه فتقبله منی بعد از آن بگوید
الله اکبر الله اکبر الله اکبر بسم الله الرحمن الرحیم و ذبح کند و در محل
که خاک بر شعف باشد و خون او را در گودی کند و در موضعی که مردم پا ننهند در کین او را دفن
کند و دو دست پا او را از پوست جدا کنند چنانچه از پوست دست پای یکپارچه باشد و
و آنچه در شکم است یکپارچه باشد که از هم جدا نشده باشد گوشت از اینجا هفت پاره که
و در میان پوست نهند و هر یکپارچه را به نیت فقیری و مسکینی ببرون آورد و بهمان که
که نیت ببرون آورده و هد تا شصت کس تمام شود در دست ... این نیت

بسم الله وبالله والحمد لله والله اكبر ايمانا بالله وثناء
على رسول الله صـ والاصمت والعصمة لامره والشكر لرزقه
والمعرفة بفضله علينا اهل البيت اللهم لحمها بلحمه ود
مها بدمه وعظمها بعظمه وشعرها بشعره وجلدها بجلده
اللهم اجعلها وقاء لفلان ابن فلان و ذكر پسر بعد از اين بگويد
اللهم انك وهبت لنا ذكرا وانت اعلم بما وهبت ومنك ما ا
عطيت وكل ما صنعنا فتقبله منا على سنتك وسنة
نبيك ورسولك صـ واخسأ عنا الشيطان الرجيم لك
سفكت الدماء لا شريك لك والحمد لله رب العالمين

ذكرا

و بعض روايات دعاى عقيقه اينست بسم الله وبالله اللهم عقيقة
عن فلان ابن فلان لحمها بلحمه ودمها بدمه وعظمها
بعظمه اللهم اجعلها وقاء لآل محمد صلواتك عليهم ثم بذبحه

در احاديث تأكيد و تحريص شديد وارد شده بجهت تصدق كردن در دفع
و قضاهاى محكم را دفع ميكند
بيماريها و منقول است كه تصدق بلاهاى آسمانى را دفع ميكند و حوادث ايام

رضا علیه فرمود که بیمار را امیر چیزی مانند دعا و تصدق و آب سرد دفر
مود که فقهای جمیع بعض پرهیز و امساک چهارده روز است و پرهیز نه آنست که چیزی
نخورند بلکه آنست که کمتر بخورند و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرموده که بیماران خود را
بتصدق آورده اند که شخصی بخدمت حضرت امام موسی کاظم ع عرض نمود که من با ده
نفر از عیال خود بیمارم فرمود که ایشان را دوا کن بتصدق و هیچ چیز بیشتر و بهتر و زودتر از
تصدق نفع نمی کند ایضا متوسل بحضرت امام موسی کاظم ع بجهة شفای جمیع دردهای
اعضا خصوص درد چشم و بتجربه رسیده است و آن بدین طریق است که بگوید اللّٰهُمَّ یا حُجّتی و وَلیّک
مُوسَی بنْ جَعْفَرٍ الکاظِمِ عَلَیْهِ السَّلامُ اِلّا سَلَّمْتَنی فی جَمیعِ جَوارِحی ما
ظَهَرَ مِنْها وَ بَطَنَ بِجَوارِحِکُم وَ صَلَّی اللّٰهُ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ اَجْمَعین ایضا
توسل بحضرت امام موسی کاظم علیه السلام از جهة امراض باید که هفت عدد زر هفت
سجود کذا از ... داشته اگر زر بپیشانی و ختم کند شصت با چپ دو در برداشتن از شصت
با چپ بر دارد و در وقت گذاشتن هر یک این دعا بخواند اللّٰهُمَّ یا حُجَّتی وَ لیّکَ العَبْدَ الصّا
لِحِ مُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ الکاظِمِ عَلَیْهِ السَّلامُ اِلّا عافَیْتَ هٰذَا المَریضَ بَدَنِهِ مِمّا
اَخافُهُ وَ اَحْذَرُهُ عَلی بَصَرِهِ وَ سایِرِ جَسَدِهِ وَ جَوارِحِ بَدَنِهِ ما ظَهَرَ مِنْها

وَمَا بَطَنَ لَهُ مِنْ جَمِيعِ الْاَسْقَامِ وَالْاَمْرَاضِ وَالْاَعْلَالِ وَالْاَوْجَاعِ

بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ بجهة فرزندان بدو طریق میباشد اول

آن چنان است که مادر دو رکعت نماز کند و در سجود بگوید اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ

وَهَبْتَهُ لِي وَلَمْ يَكُ شَيْئاً فَهَبْهُ لِي هِبَةً جَدِيدَةً روای گوید که بیماری داشتم

حضرت صادق ع بعیادت من آمد چون جزع مادرم را دید باین دستور تعلیمش فرمود

چون صباح شد بنحوی صحت یافته بودم که گویا بحث بود من نیز با ایشان شرکت کردم و این

طریق در روایت دیگر چنین آمده که راوی گفت مردم آمده بودند که بر جنازه من حاضر

شوند حضرت صادق ع بمادرم فرمود که غسل کن و بر بام خانه در زیر آسمان دو رکعت

نماز بگذار و بعد از آن بگوی اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ وَهَبْتَهُ لِي وَلَمْ يَكُ شَيْئاً اَللّٰهُمَّ اِنِّي

اَسْتَوْهِبُكَهُ مُبْتَدِياً فَاَعِرْنِيهِ وجه آنست که مادر بیمار بالین بام رود و مقنعه

از سر بردارد و موی سر با آسمان گشوده بگوید اَللّٰهُمَّ اَنْتَ اَعْطَيْتَنِيهِ وَاَنْتَ وَ

هَبْتَنِيهِ فَاجْعَلْ هِبَتَكَ الْيَوْمَ جَدِيدَةً اِنَّكَ قَادِرٌ مُقْتَدِرٌ هنوز سر بر نداشته

که فرزندش شفا یابد ان شاء الله تعالی در ادعیه و دواء درد مفاصل و جمیع دردها

و ضربان عضو با مرویست که شخصی بخدمت حضرت امام محمد باقر ع شکایت کرد از درد

مفصل فرمود که اینده ابجزان اللهم انی اسئلک باسمک وبرکاتک

ودعوت نبیک الطیب المبارک المکی عنک صلی الله علیه و

آله وبحق ابنته فاطمة المبارکة وبحق وصیه امیر المؤمنین

وبحق سیدی شباب اهل الجنة الا اذهبت عنی ما اجد بحقهم

بحقهم بحقهم یا اله العالمین چون این دعا بخواند درد دسا

کن شد ... آورده که بجهت جمیع آلام واسقام بنویسد بر کاغذ بر

مریض بندد شفا یابد وبالحق انزلناه وبالحق نزل وما ارسلناک الا

مبشرا ونذیرا وننزل من القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤ

منین وما محمد الا رسول قد خلت من قبله الرسل افان مات

او قتل انقلبتم علی اعقابکم ومن ینقلب علی عقبیه والذین امنوا

وعمل بما نزل علی محمد وهو الحق من ربهم کفر عنهم سیئاتهم واصلح بالهم

ما کان محمد ابا احد من رجالکم ولکن رسول الله وخاتم النبیین وکا

کان الله بکل شیء علیما محمد رسول الله والذین معه اشداء علی

الکفار رحماء بینهم تریهم رکعا سجدا یبتغون فضلا من الله ورضوانا

سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَاةِ وَمَثَلُهُمْ
فِي الْإِنْجِيلِ وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ فَلَمَّا جَاءَهُمْ
بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُبِينٌ وَلَوْ أَنَّ قُرْآنًا سُيِّرَتْ بِهِ الْجِبَالُ
أَوْ قُطِّعَتْ بِهِ الْأَرْضُ أَوْ كُلِّمَ بِهِ الْمَوْتَى بَلْ لِلَّهِ الْأَمْرُ جَمِيعًا الْمُلْكُ
لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ پس بگوید بِسْمِ اللَّهِ الْمَكْتُوبُ عَلَى سَاقِ الْعَرْشِ

این حروف که بجهت جمیع دردهای بدن با خود دارند اح ح ح ط ک ل م ن
و س ص ه ی بجهت ضربان از درد دندان و مفاصل این اشکال را بر پاره خزفی یا
در رق نوشته در موضع وجع نهد و هر گاه وجع بعضو دیگر نقل نوشته را بان موضع
نقل نماید تا بالکلیه وجع زایل گردد ان شاء الله تعالی اینست اشکال
و در کتاب بحر المنافع که تالیف بنده خواجگی هندی است آورده که یکی را بگوید بسوی
تا موضع درد را محکم بگیرد و این دعا را بخواند و بکارد در زمین خط بکشد بگوید
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اُسْكُنْ بِحَقِّ الْبَادِي [illegible] که در زمین هفت
خط بکشد بدین شکل و در وقت کشیدن خط بگوید اُسْكُنْ یاد [illegible]
بِحَقِّ الْبَادِي لَعَلّه ان که روی را بجانب چپ خط فرود بر دو محل درد را محکم با نگشت

بکرد و هفت بار بر سکدم بخواند که اسکن یا ریح بحق الباری و بعد از فراغ مریض
را بگوید تا برود فی الحال بر شود   سفال آب ندیده را بکنند و هفت وصد را
بموضع درد بزند و بگوید درد و ضربان دفع شود کهیعص کهیعص اخرج البلا درد
هفت اندام و استخوانها که گویا از درد در هم شکند اول سوره فتح انا فتحنا لک
فتحا مبینا لیغفر لک الله ما تقدم من ذنبک و ما تاخر و یتم نعمته علیک
و یهدیک صراطا مستقیما و ینصرک الله نصرا عزیزا گویند تعوید نماید
مجرب است.   مسکن الاوجاع منقول است از تحفة المؤمنین حکیم میر محمد مؤمن
تنکابنی و در تسکین درد مفاصل حاره و بارده مجرب است حلبه را با آب ذکر با السویه
طبخ نماید تا مهرا شود و عسل بوزن حلبه اضافه کرده بجوش نهند تا غلیظ گردد و نیم گرم کرده
طلا نماید نافع بود والله اعلم بالصواب والیه المرجع والمآب باب ۲۱ در علل مشومه
متکرره و دفع آن و درین باب چند فصل است فصل اول در دفع ابنه طفلان در کتاب
مکارم الاخلاق شکل مربع را برای دفع ابنه دختر و طفلان و کم بردن آن کردن نقل
کرده است و بهتر آنست که به ترتیب عدد او ببندند
نسخه دفع و رفع آورده است که این شکل به موم گیرد

١٣	٢	٣	١٦
٨	١١	١٠	٥
١٢	٧	٦	٩
١	١٤	٥	٤

ودر کردن طفل بندد و هفت آیه پیش بیرون نیاورد و زود ردفع دفع شود بدان

الدّالغه ومربع انرا بدین ترتیب بحروف نوشته است

آورده است که همین مربع را بار قام هندی است

بنویسد و همان دستور بباید و بدهان خاصیت میخشد بدین طریق که بسر خری نوشته شده است

در خاصیت این شکل گفته اند اگر بر طفلی بندند آنکه بر نیاورده بشد و اگر آورد

زیاده از سی و چهار در نیاورد و شکل اینست

و این خاصیت این شکل بجهت دفع آبله مجرّب است

ایضا این شکل را نوشته بر بازوی طفل بندد اگر بیرون نیامده بشد نیاید و اگر آمده

باشد زیاد نشود ایضا این شکل را بجهت آبله چنین

خاصیت یافته اند آبلیسینی سی سی و بالعری سرا لودن ثلثبه مالیه یاموسی

ایضا بنویسد و بر طفل بندد و از آبله نیاوردن ایمن گردد مربع اینست

الحمد لله	رب العالمین	الرحمن	الرحیم
مالک یوم الدین	ایاک	نعبد	وایاک
نستعین	اهدنا الصراط	المستقیم	صراط الذین
انعمت علیهم	غیر المغضوب	علیهم	ولا الضالین

و همچنین آورده که بجهت آبله و خوران که از

بدین آیات را ببیرون ... این آیه و نقش را بنویسد و در گردن بندد و در درخت نه بندد

و بعد از بر آید و دفع شود این است بَلْ إِيَّاهُ تَدْعُونَ فَيَكْشِفُ مَا تَدْعُونَ

إِلَيْهِ وَتَنْسَوْنَ مَا تُشْرِكُونَ م۱۱۱۹۹۱۱۱۹۹ع۱۱۲۱۴۱۹ه

ایضا ابیات که در فصل آینده خواهد آمد بر آن خواند زیاده بر نیاید و

... الآیات مذکور است که بجهت آب چشم مجرب است ریسمانی که رشته کودکی

باشد که هنوز دندان او نیفتاده باشد هفت لا کنند و الم نشرح بخوانند

و بهر کاف که رسد یک گره بر آن زند تا هفت گره شود و بعد از آن هفت بار سوره مزبوره

را بر آن بخوانند و از پیش چشم کسی که آب دهنده باشد بیاویزد و آب زایل شود ...

اگر بالهای مجرد و در حنا بندند اثر در چشم او پدید نیاید ابن بیهقی در خواص خود آورده

آورده که آب سرخون در از بان بزد و شربت کاوی الاسم هندسیت و بعد یکدانه

و دو ... است در حوالی عمان و همچنین کثیر الولد و شربت گاو را نخست که چوب او را

کوبیده بجوشانند و آنرا شکر بقوام آورند منع آبله و حصبه میکند منقول از کتاب

بر چشم افتد این آیه را بر گندم یا بر نمک خوانند و در آب اندازد و بخورند

دَوَاهِيَ وَدَاهِيَةٌ فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ

فبصرك اليوم حديد اولى لك فاولى ثم اولى لك فاولى ا
ايحسب الانسان ان يترك سدى الم يك نطفة من
مني يمنى بقدرت الله تعالى برطرف شود — در مداواى
دفع دمل و قرحه و درد و جرحت و بثور و خراج و جرب و ناسور و غيران از حضرت
امام جعفر صادق ع و در حديث صحيح منقولست كه هيچكس از بنى آدم نيست
مكر او را دو رگ ميباشد يكرگ در سرش كه خوره را بحركت مى آورد و يكرگ در بدنش
كه پيسى را بحركت مى آورد و چون رگ سر بحركت مى آيد الله تعالى زكام را بر او
مسلط ميكرداند كه دردهاى سر را ميكند و اگر آن رگ بدن بحركت مى آيد حق تعالى
دمل را بهم ميرساند پس خدا را شكر كنيد ... ديكر فرموده كه دملها و بثور را
كرششى از خون فاسد است كه در وقت طغيان كه از بدن بيرون مى كند بيرون
مى آيد پس اگر كسى كه اينها در و حادث شود چون برخيزد بكويد اعوذ بوجه
الله العظيم وكلماته التامات التي لا يجاوزهن بر ولا فاجر من شر
كل ذي شر تا از اينها سالم بماند و عافيت يابد ... ديكر فرموده كه بثور
و دملها ديكر بعض ازينها كه از بدن بيرون مى آيد و اول كه اثرش ظاهر شد انكشت شهادت

بر حوالیش بکردانند و هفت مرتبه بگوید لا اله الا الله الحلیم الکریم و در مرتبه
هفتم انگشت را الیقوت فرو کیرد لغو بیغشر دیگر منقول است که برای
حب بغو کرده مل دفع با این آیات را بخوانند و بنویسند و با خود نگاه دارد بسم الله الرحمن الرحیم
ومثل کلمة خبیثة کشجرة خبیثة اجتثت من فوق الارض من قرار
منها خلقناکم وفیها نعیدکم ومنها نخرجکم تارة اخرى الله اکبر
انت لا تکبر الله یبقى وانت لا تبقى الله على کل شیء قدیر و نیز در
کتب طب الائمه مسطور است که این کلمات را بر کاغذی بنویسند و صاحب دمل
بلع کند دفع شود لا الا الا الا ون بالله محیط به علمک ک ع س ل ع
و من ... اطباء صادق است که در ابتدا سرد زدمل تار عنکبوت را بوته بر
بر کنند و بر آن ضماد نمایند دفع آن میکنند و همچنین بکذار ضماد تخلب که از آخر لا دالغفا دع
کوبند سریع الاثر است ... بیکر بر سنگ زنند و پارهای خورده را از آن
بجهد بدست دوامن بر کیرد و بر صاحب دمل بندد به شود و همچنین در آغاز دنبل موم را نرم
کرده بر آماس دنبل بندد فرو نشیند ... انفجار ترکشوده شدن دمل داو رام
طلا و سلاحه کربول بز کوهیست که در سنگ لاخها منجمد میشود بغایت مجرب است و همچنین

بجهه تو و زرد

پاها بزنند و طلا کنند و پوست تخم که در پیله کشیده است بران نهند نافع است دیگر بجهت سنبه
ریسمان جزیکه در بحوف باشد نزدیک استخوان آن بران جسب بند مجرب است
که در بدن باشند پنبه بر داشته بقدر زخم و بر روی زخم بگذارد و این دعا
بخواند تا سه مرتبه و بعد از آن این سه پنبه را در آب اندازد و در روز دوم نیز تا بعد از
بخواند و در آب اندازد و در روز سیم نیز سه مرتبه اینه عا را بخواند لکن پنبه بو
و در آتش اندازد انشاالله تعالی رفع میشود مجرب است و دعا این است بسم الله الرحمن الرحیم بنام
آن خدائیکه تو دانا او دنیا خواند و ذنون شرا هیا و بنام حمد و بلبست
چهار هزار پیغمبر اول ادم و آخر محمد مصطفی صلوات الله علیهم اجمعین ای
توجه و دی بنی آیدقن کوجکی بفعل اید ده بندکی کوستش بجود دی
استحق اتش بکبا اختی انا الرافع والله الشافی اخرج ای ملعون اکیکی و
اکی دوتی و اکی توی و اکی ماده خواهم که بدین بلیه لی نعوذ بالله
محمد رسول الله علی ولی الله صلوات الله علیهم اجمعین

علاج

درد کام

و در بحر النافع آورده که این آیات را بنویسد و بشوید و باب آن مضمضه کند قال
من یحیی العظام وهی رمیم الی قوله وهو الخلاق العلیم وله ما سکن
فی اللیل والنهار وهو السمیع العلیم لکل نبإ مستقر سوف تعلمون

رَبِّ اِنِّی نَذَرْتُ لَكَ مَا فِی بَطْنِی مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّی اِنَّكَ اَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

که غرغره کردن بطبیخ برگ اجاص و بیخ او جهت ورم لهات و منع نزلات دماغی

و ورم لوزتین و تقویت بن دندان مجربست و گذشت که خوردن انجیر جهت درد دندان

و مضمضه حلبا با سرکه جهت استحکام لثه و اسنان و قلاع نافعست و ذرور توتیا

خشک جهت خوشبو شدن دهان و اسنان زاج ازرق شفاف که ظاهرا توتیای هندی عبارت

ازان باشد و با فوفل جهت درد دندان و حرکت آن و تقویت لثه با خاکستر بیخ کرنب

جهت قلاع و غرغره و ذرور او جهت ورم لثه و لهاة نافعست و در ضمن [illegible] در اوایل ظهور

قلاع مضمضه با آب برگ علیق که بدیلمی تموشک و تبری [illegible] گویند کردن و با آب [illegible]

داب به سرکه که در و عدس و عناری و پوست خشخاش تازه تاک و ازدو جوش پخته باشند

مضمضه کردن و بدستور گل مازج و گلنار و گشنیز خشک و پوست انار و عفص را جوشانیده

مضمضه و جهت قلاع بلغمی برگ کنف یعنی بوی مادران و برگ زیتون و ماميران و پوست انار

و عفص را با [illegible] جوشانیده مضمضه نمایند نافعست و ذرور برگ عناب نیز مفید است بلکه

و در فصل کرم دندان نیز مداوای جهت این علت خواهد بود درد گلو و گردن در فصل

[illegible] باب دوم جهت درد گلو دعائی مذکور شد — جهت دفع درد گردن آورده که

از اول سوره بنی اسرائیل تا آیه [illegible] الرحمن علم القرآن بنویسد با خود [illegible]

اما معالجه

در بحر المنافع

اما بحکم

اهجکنه
بتجربه سابقه ...

درد گلو و بادی که در حلق کام بود نفسیه باخوذ دارد ملوا اذا بلغت
الحلقوم و انتم حینئذٍ تنظرون هو الله الشافی

و ملاده بوقت غروب آفتاب هفت بار بخواند و کاسه آب برکند و دم بیش خود بنهد
و کاردیرا هر بار بران آب زند تر شود و بران موضع بمالد دفع شود بسم الله الرحمن الرحیم
اذهب یا ریح من العزیزة الله تعالی فانی اعوذ بالله من کل داء داخل
او خارج فی اللحم بحق سلیمان بن داود علیهما السلام — بجهة ورم گلو طلای

وبتجربه رسید

عنب الثعلب با شنق یعنی گل سرخ و طلای گل ارمنی و طلا و چیزهای بارده متعدد
بر کل الاورام و غیره باب عنب الثعلب بجهت ورم حلق و درد آن بغایت نافع است و سودمند
نیز تذکور گشتند و فصل دفع خنازیر و دفع سرطان و اورام اینها مناسب این مقام

معالجه

ذلوی که در گلو چسبیده سید این کلمات را بر آب یا نان بخواند و بخورند ذلو بفرمان خدا
تعالی بیرون آید فتحا فتحا نصرا نصرا یا ذالجلال والاکرام ای ذلو از گلوی فلان
بیرون آی — دفع درد دندان از حضرت امیرالمؤمنین ؏ مرویست که بجهت درد

فصل شیر؟ ذلو

دندان دست بر موضع بسود بمال بموضعی که درد میکند بمالی و بگوی بسم الله الشافی
الله و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم — از حضرت امیرالمؤمنین ؏
مرویست که بجهت درد دندان نوشته و صاحب درد برخود بیاویزد آدم دیو انسان

طریقه دیگر

انا خلقناه من نطفة تا آخر سوره لیس و له ما سکن فی اللیل و النهار
و هو السمیع العلیم   اورده که روز یکشنبه بر کاغذ یا چوب یا دیواری این شکل
نقش کند یا شعلو نی و در وقت نقش کردن صاحب درد را در پهلوی خود بدارد
بس میخ آهنی بردارد و در چشم میم زند و در اثنا زدن میخ آیه و ننزل من القرآن را تا آخر
بخواند فی الفور دفع شود و اگر دفع نشود میخ را در چشم عین زند و در اثنا زدن آیه مذکوره را
بخواند فی الفور دفع شود و اگر دفع نشود بحرف های دیگر همین دستور عمل نماید زایل شود
این است آن نقش   در زبدة الاعوات آورده که شکل جیم را با میخ طرح بکشد
ججج د یعنی که در میان دایره جیم بنویسد و میخ نیز از تب بر چشم عین بکوبد و در اثنا
کوبیدن میخ سوره و التین را هفت مرتبه بخواند و بعد از آنکه درد کند بدهد و انگشت که در
ذات آن درد میکند باید که انگشت بر سر دندانها نهاده باشد تا درد ساکن شود
کرم دندانها بنویسد و در زیر دندان بگیرد تا سه روز درد ساکن شود و ما من
دابة الا هو اخذ بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم   در رفتن
دندان نیز همین آیه معمول است   در دفع لکنت زبان و حصول فصاحت و رفع
سلاطت این آیات را بنویسد بجهة کودکی که سخن نکند یا دیر سخن آید بدهد و آویزد
لسبحن الله ما لکم لا تنطقون اقرأ باسم ربک الذی خلق خلق الانسان
من علق

من علق اقرأ وربك الاكرم الذی علم بالقلم علم الانسان ما لم يعلم

لا يتكلمون الا من اذن له الرحمن وقال صوابا صنع الله الذی اتقن

كل شیء ففهمناها سليمان واز خواص این آیت اذ قال ابراهیم لابیه

آزر اتتخذ اصناما آلهة انی بریء مما تشرکون چون بر بادیه مس بنویسند و آب

باران محو کرده بر کودکی که حرف نزند بر بندد زبانش گشاده گردد تجربه دررفته

زبان این آیه را بنویسد و بگوید بسم الله الرحمن الرحیم الا ما کتب الله لنا هو

مولینا علیه توکلت والیه انیب و در کتاب خزائنة الاسرار آورده که گر کودک

دیر سخن گوید این آیه را در سنی که زبان او گردد سوره بنی اسرائیل را بمشک و زعفران بنویسد

و بشویند و بدو دهد تا بخورد زبانش گشاده شود ان شاء الله تعالی و حکیمان تجربه یافته اند که فلفل ماهی

کوبیده سفوف نمایند ثقل زبان بشکند و نمک و عسل مالیدن بر زبان رفع ...

و تخم قرمی را با طفل خورانیدن معین نطق اینان شمرده اند حدت زبان و سلامت

آن در خزائنة الاسرار آورده که هر که آیه لا یحب الله الجهر بالسوء من القول

الا من ظلم وکان الله سمیعا علیما بنویسد و بر کسی بندد که بسیار گوید و بد گوید

خاموش و کم سخن گردد و از زن سلیطه و بد زبان باشد این آیه را بر قطعه جامه بنویسد که از زیر

پیراهن گرفته باشند و آن پیراهن را در روز پنجشنبه بریده باشند و اندازد در آستانه پیراهن او دوخته

نماید زبان او کوتاه گردد و محمد بن حسن از حضرت صادق ع روایت است که هر که سوره زخرف را
بنویسد و با آب حل کرده بریزد که سلیطه باشد بخورد او دهند خاموش شود و خوش زبان گردد
در احادیث وارد شده بجهت حدت زبان و [illegible] باستغفار مداومت کردن

برطرف کهنه   بجهت قطع رعاف این آیات را برو خوانند مِنها خلقناکم و فیها
نعیدکم و منها نخرجکم تارةً اخری یومئذٍ یتّبعون الدّاعی لا عوج له
وخشعت الاصوات للرحمن فلا تسمع الا همسا و یا ارض ابلعی ماءک و یا سماء
اقلعی و غیض الماء و قضی الامر واستوت علی الجودی و قیل بعداً للقوم ال
ظالمین و من یتق الله یجعل له مخرجا الی قوله قدرا و جعلنا من بین ایدیهم
سدّا و من خلفهم سدّا الی آخر الآیه   حبس خون از بینی که بعد از [illegible] رعاف
و غیر آن بخواند و بر آن موضع دمد بسمله ما قطعتم من لینة او ترکتموها قائمة
علی اصولها فباذن الله و لیخزی الفاسقین   این شکل را بر بینی صاحب
رعاف بنویسند ساکن گردد طب طب مطب مطب طب طب مطب
جهت قطع رعاف بنویسد و بر پیشانی او چسبانند هو حا بو طا لو طا یقطع الدم بلا
ابطا و من یمنع ذلک اخطأ   سرگین گاو را گرم کرده در پیشانی بندد و خون باز
ایستد   سرگین گاو در سوخته خاکستر کرده در بینی چکانند خون باز ایستد

ضماد زانبیق سفید و عسل نیز جهت ورمهای که چون آید بمس حاجت دارد		درد جذورد

دستهای بیزد بجهت دردهای ... قبل یا ارض
ابلعی ماءک ویا سماء اقلعی وغیض الماء وقضی الامر واستوت
علی الجودی وقیل بعدا للقوم الظالمین سنشد عضدک باخیک ونجعل
لکما سلطانا		درد دفع درد سینه و ... کردن شیر در ... آیات قرآن
آورده بجهت درد سینه این آیت ... بر قدری از آب خوانند و ... تا باشد
و ... درد سینه او را ... اشرح لی صدری ویسر لی امری واحلل
عقدة من لسانی یفقهوا قولی		آورده بجهت درد سینه و دل آورده که سورة
انشراح را بخوانند و بر آن دمد ... این آیات را بنویسد و بخورد و آن ... در سینه
او ... صحت یابد و ننزل من القرآن ما هو شفاء ... لما فی الصدور

این اشکال را نوشته در زیر پستان بندد

جهت درد پستان زنان بنویسد ع ع ع ع ع ع ع ع ع ع ع ع

پستان بر بندد و درد آن		۱۸۷۱۲۱۱۰۶۲۱۷		۱ ۷۱۲۲۴۸۷۱۳۹

و زیاده شدن شیر پستان زنان آرد باقلا تخم ... درد ... آب ...
سرشته ضماد کردن نافع دانسته اند		ضماد آرد باقلا با سکنجبین بر پستان بجهت ورم

ودرد آن نافع ومجربست واگر آن وجع بجهة بسته شدن شیر باشد علامت آن حمرت و
انتفاع وصلابت ووجع پستان باشد حزفه را بگلاب وسرکه تر کنند وبر آن نهند واگر
حرارت آن بسیار عظیم باشد آرد باقلا وجو وماش با آب گشنیز وآب حزفه وسفیده تخم مرغ
طلا کنند وضماد آرد عدس با برگ کرنب جهة ورم پستان وانجماد شیر نیز در این باب.
مفیدست بجهة زیاده شدن شیر مرضعه   بجهة زیاده شدن شیر زن بنویسد ودر بالای
پستانها بندد بسم الله وبالله وبکلمات الله التامات واسمائه العظام فهل تری
لهم من باقیة اسئلك یا سبب الاسباب یا عالم السر والخفیات یا مجیب
الدعوات یا منزل البرکات یا قاضی الحاجات یا سامع الدعوات لا اله الا
انت یا حی یا قیوم یا ذا الجلال والاکرام وصلی الله علی خیر خلقه محمد وآله اجمعین
در دفع درد دل وطپیدن آن وفزع وتشنج آن در کتاب مکارم بجهة درد دل
آورده که آیه فاذا قرأت القرآن فاستعذ بالله من الشیطان الرجیم با معوذتین
بخوانند وبنویسد وبخورانند نافع باشد.   ودیگر در کتاب درر مکنونه آورده بجهة درد دل
این اسما را بنویسد وهر که خواهد بشسته باشد واگر خواهد بخود نگاه دارد ونیت
۰۰۰۰۰ سرینکش ۹ مامه ع ع ع ع ع ع ع ع ع امل امل امل امل   مذکور
که این آیه را بخوانند وبنویسد وکسیکه درد دل داشته باشد بیاشامد سکن کردد وآن
سوره

سعد الله

فی ذالک لذکری لمن کان له قلب او القی السمع وهو شهید

طپیدن دل بنویسد و بشوید و کسیکه دل او طپد بیاشامد آرام گیرد بسمله رب علیس

معالیس و نفس و نافس و حجر یابس و سیماب قابس و ماء فارس بحق یاسینک

العظیم و بحق اسمائک الحسنی و بحق یا حنان یا منان یا دیان یا برهان یا سبحان

یا سلطان سلام قولا من رب الرحیم ✡ ۱۱۱ م ۱۱۱۱ ۹ ۵

سوره الم نشرح مجرب است بهر سینه جهت دفع دلتنگی هفده روز صبح و شام یکنوبت بخواند

دفع شود . . بهر دفع درد معده و صفت آن و دفع بلغم و صفرا و سودا و رطوبت

دیگر مجرب است و در خزائن الاسرار مذکور است که آیه ربنا لا تزغ قلوبنا را تا آخر آیه بر جرعه

آب فاتحه سه مرتبه بخوانند و بکسی که درد معده داشته باشد بخورد صحت یابد مجربه نقل

معده دست بر شکم مالد و این شعر را سه مرتبه بخواند که مجرب است اجح جحی نجح مجحی

تنگی کند تند بعج باند ذ . . صادق علیه السلام مرویست که بجهت ضعف معده جزاه را با آب

سرد بخورد و آن گیاهیست شبیه بکرفس که آنرا ابوزا گویند کرم معده از حضرت

رسول صلعم منقولست که خرما را ناشتا خوردن کرمهای معده را میکشد و از حضرت صادق

منقولست که هر که هفت دانه خرمای عجوه را در وقت خواب بخورد کرمهای معده اش

کشته میشود امام رضا علیه السلام مرویست که بخورید سرکه را که از شراب ساخته باشند.

که کرمهای معده را بکشد   خوردن دو مثقال تخم امرود را کشنده کرم معده مجرب
گفته اند   خاد برگ انگور ابسر که جهت کشتن کرم امعی مجرب یافته اند   بجهت
قراقر شکم و درد ناف و نفخ و کرم حب القرع بر سه پارچه شکر بخوانند هر روز یکپاره
آن بخورد دو دو دفعه حبس کند تا شش روز بگذرد و در روز هفتم قدری جز تلخ بخورد
صحت یابد این است يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ إِلَّا مَنْ أَتَى اللهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ
بلغم و سودا و صفرا و رطوبت در کتاب خزانة الاسرار آورده که کسی را که در بدن
بلغم باشد و خواهد که دفع شود سوره قدر را بر روغن گل بخواند و قدری شیر زنان را
بر آن اضافه کرده و بدن را با آن چرب کند نافع است   حرز الامان برای ازاله
بلغم و رفع رطوبت از معده آورده اند که این آیات که حروف چهار گونه است بر لوحی نقش
کند و از پیش سینه بیاویزد چنانچه می نی فم معده بود عاجل النفع است ب دم ق
در دفع درد پشت و کمر و در خواص آیات قرآن مذکور است که هر که از سوره
انبیا آیه إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحُسْنَى أُولَئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ إلى قوله
يَوْمُكُمُ الَّذِي كُنْتُمْ را بر ظرف سفالی بنویسد و بآب چاهی که آفتاب ندیده باشد
بشوید و بمریض دهد سه جرعه باشامد در وقتیکه درد او بشدت رسیده باشد سه روز بدین
دستور عمل کند شفا یابد و اگر آنرا بر روغن با بوته از الطاف محو نمایند و آن روغن را

بر آن

بر پشت مالد درد پشت زایل گردد و در حدیث آمده که اسمعیل فرزند امام جعفر صادق علیه السلام

بخدمت پدر خود از درد پشت شکایت نمود حضرت او را طلبیده فرمود بر پشت خود بمالید و استغفار

بر و بخواند بسم الله و بالله و صنع الله الذی اتقن کل شیء انه خبیر بما تفعلون

اسکن ایها الریح بالله الذی سکن له ما فی اللیل والنهار وهو السمیع

العلیم مجرب است

در رد بول و منی و تقویت الفاظ و سستی آلات تناسل

و از حکمای هندوستان و از تحجیم نامه نقل شده فوفل هفت مثقال نیم صلایه کرده

در سفال پاک اندک زنجبیل و دار چینی هفت مثقال نیم بدستور کوفته و بیخته آمیخته

نماید و بر روی آتش نرم گذاشته با چهار پنج عدد زرده تخم مرغ بقدری که معجون

شود آمیخته مغز پسته هفت دو مثقال نیم و نبات نیز بدستور دو مثقال و نیم کوبیده بر آن نثار

کند و مجموع آن را در یک روز بخورد که مجرب است

در دفع درد شکم و ناف و سرز

مرویست که مردی بخدمت حضرت امیر المومنین علیه السلام از درد شکم شکایت نمود حضرت

فرمود که آب گرم بخورد و بعد چهار بار بخوان یا الله سه بار یا رحمن یا رحیم یا رب

الارباب یا اله الالهه یا ملک الملوک یا سید السادات اشفنی بشفائک

من کل داء و سقم فانی عبدک و ابن عبدک اتقلب فی قبضتک

این شکل را بر نان بادام دست چپ بنویسد و بلیسد بجهت درد شکم و قولنج مجرب است

نفع قولنج — برای درد شکم بر پشت خوابیده پای راست بر بالای پای چپ گذاشته
سه نوبت سوره لایلاف را بخوانند و بعد از آن این منتر را و دست بر شکم مالد
درد ساکن شود باذن الله که مجرب است — [illegible]
پا بندید — در کتاب شجره طیبه مذکور است که این شکل را بنویسد و در میان قاشقی که
نگسسته باشد باید تا دو انگشت بر آن گذاشت تا کاغذ بسوزد و کف آن را
قاشق را در آن ظرف بر روی جامه ای زیر بگذارید و کسیر زر کداخته
این شکل را نوشته توی قاشق گذاشته در سر سیر بسوزانید
دیگر این اشکال را صاحب سیر زبا بخود دارد نفع بیند و اگر خواسته باشد تجربه کند این اشکال را
سه روز بر گوسفندی ببندند و هر بعد از آن بکشند به بینند سیر زدار دیا تر است این شکل
[illegible]
صح الاساس — این اشکال را بر تخم مرغ نوشته بدکسیه بندند و یا دیز جون خشک بسوزانند
بر طرف شود عاع وح — [illegible] — بود دنه را
بهر که بچوبند بر پهلوی چپ بیند دکسیر ز بر طرف شود — بجهة دفع قولنج
و فالج و غیره باو ها اورده اند که سوره حمد و معوذتین [illegible] یا بر شانه
یا بر لوحی بنویسند و باب باران بشویند و ناشتا بخورند در وقت خواب سیر بجوید
لقا

لله   الله

بسم الله الرحمن الرحيم بحق لا اله الا الله محمد رسول الله علي ولي الله

بسم تكون وانت مرزوق فلان بن فلان الجبار حد معين فسيكفيكهم الله

وهو السميع العليم انما امره اذا اراد شيئا ان يقول له كن فيكون

فسبحان الذي بيده ملكوت كل شيء واليه ترجعون الم تر ان الله

يزجي سحابا ثم يؤلف بينه ثم يجعله ركاما فترى الودق يخرج من

خلاله وينزل من السماء من جبال فيها من برد فيصيب به من يشاء

يكاد سنا برقه يذهب بالابصار سبحان ربك رب العزة عما

يصفون وسلام على المرسلين والحمد لله رب العالمين سلام

على نوح في العالمين انا كذلك نجزي المحسنين نوح نوح نوح

اللهم ادفع بلاء البرد من هذه المواضع بحرمة محمد

واله وبحق جميع المرسلين والملائكة المقربين

این چشم زخم بد از باغ و زراعت دفع شود تا بستان از سباع و بهائم و کرم

وملخ و دزد و غیره آن هر چهار رکن بنویسد و هر چهار رکن بنا دیرد سالم ماند

بسم الله الرحمن الرحیم واذا تولی سعی فی الارض الی قوله والله لا یحب الفساد
اللهم الا ان السماء سماء لک والارض ارضک وما فیهما وما بینهما
لک فاحفظ هذه الحدیقة یا اکرم الاکرمین ... بر این حدیقه الزرع بنویسد
باسمک الکبیر الاکبر الاکرم السمیع الواسع انک علی کل شیء قدیر
الواحد الاحد الصمد الذی لم یلد ولم یولد ... لا ... برحمتک
یا ارحم الراحمین . ... از برای طفل ... بنویسد

جواب بسم الله اعیذک من کل عین حاسد الله یشفیک
اعیذک بکلمات الله التامة من کل شیطان وهامة ومن کل
عین لامة . از حضرت امام محمد باقر منقولست که حرز مبارک او بنویسد

بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله وبالله والی الله وکما شاء الله وبعزة الله
وجبروت الله وقدرة الله وملکوت الله هذا الکتاب اجعله یا الله
شفاء لفلان ابن فلان بن عبدک ابن امتک عبدالله صلی الله
علیه وآله وسلم رسول الله ... که الکار آید از کاغذی نوشته
و نام طفل که بیمار باشد نیز بنویسد و در آب اندازد اگر غرق شود فرزند
آن کودک زحمت بسیار کشد ... با بد والا در میان ... زحمت بسیار کشد

و بعد صحت یابد و اگر الا باشد در صحت نیابد بس بنویسد بر آهو برداردو بنویسد وی نوبلکه

هر روز صحت یابد از مجربات بسم الله الرحمن الرحیم و لو یؤاخذ الله الناس بظلمهم ما ترک

علیها من دابة و لکن یؤخرهم الی اجل مسمی فاذا جاء اجلهم لا یستا

خرون ساعة و لا یستقدمون ام الصبیان دفع و در حدیث آمده

که شخصی بحضرت صادق عرض کرد که پسری داشتم و گاهی او را بار جن میگرید

تجاوز کرد و او را میبینم حضرت فرمود که هفت مرتبه سوره حمد را مشک و

زعفران بر ظرفی بنویسی و به آب بشوی و تا یک ماه از آن آب بنوشد تا بهتر گردد

کهنه بکره بسته باشد و در بیرون بر طرف بسته بجهت دفع ام الصبیان بنویسد بر طفل

بندد این است ... توت جریوت داوت هیون

برطوت سلموس سلموناس العیاو ماد ناقوتا هیون خرور

اول روز شنبه این شکل را به صفحه قلعی نقش کند و بر گردن طفل

بندد از ام الصبیان و لآت دیوان و ترس و کرلستن ایمن گردد دفع دفع

در بحر المنافع آورده بجهت ام الصبیان که او را باد مرک باد خوانند بنویسد

و بر آن طفل بندد بسمله حلنوس مرنوس اریوس مرحونس

مرطوبین سملوس سلوباس وصاد نام و حاجرت و مانس بادن الله

يا حافظ يا حفيظ يا رقيب يا وكيل يا كفيل فسيكفيكهم الله وهو السميع
العليم ... بر ... كهيعص وبحق حمعسق

... بر وشيد ند بسم الله
الرحمن الرحيم الآن خفف الله عنكم وعلم ان فيكم ضعيفا وخلق
الانسان ضعيفا وعنت الوجوه للحي القيوم وقد خاب من حمل ظلما يا نار كوني
بردا وسلاما على ابراهيم بسم الله ذي العزة والكبرياء ... صلى الله
على محمد وآله اجمعين ... اسامي اصحاب الكهف ...
يمليخا مكسلمينا تمليخا ... كشفطيوش
قطمير ...
... لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم
... الله الله الله ...
... كل ...
... ولا تقربا هذه الشجرة فتكونا من الظالمين ...
الطين ... ولا ... الكتاب ... كهيعص
كهيعص بالف لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم ... از ...

نوشته بر ظرفی سفید کنند و آن را محو کرده بر طرف کنند وقد فرت بالقرب من مکان

بعید وحیل بینهم وبین ما یشتهون کما فعل بأشیاعهم من قبل إنهم

کانوا فی شک مریب ... روز دو مرتبه بنویسند در ... بر

نویسد و بر کودک بندد که او را از شیر باز گرفته باشند از شیر باز ایستد آن بروشن

شود . الوظیفه سبب ای بتحریر باز گرفتن کودک از شیر باشد و بر ... رحم

نوشته با وقود اندر آن خیال بد رفته ترک شیر خوردن نماید و تأکلون ...

أکلا لما وتحبون المال حبا جما أم أبرموا أمرا فإنا مبرمون

الوظیفه دیگر براه افتادن اطفال بر طرف سفالین نویسد و ... دو قدری حمد الله

دو قدر زیرا به بدل ... را نوشته بر دو بند ببر راه افتد ارکض

برجلک هذا مغتسل بارد وشراب والله خلق کل دابة من ماء فمنهم من

یمشی علی بطنه ومنهم من یمشی علی رجلین ومنهم من یمشی علی أربع

یخلق الله ما یشاء إن الله علی کل شیء قدیر ... جمله مولود

وما در او ... سفید و سیاه ... تا ... هم ... ابن

کلمات را ده مرتبه گره بر آن زنند و در رشته چنین تمام کنند باز ... مولود و بکار

بدار و بند د بسم الله الرحمن الرحیم اللهم اجعله حلالا وبلاء وحلاه

وصلاه وکلاه و لماه وجن الجن والنبیا طیب وخاتم سلیمان بن
داود ع بستم حیلهٔ فلانه بنت فلانه بالسر یا بحق محمد وآله الامجد
بنظر سینه بر بسته مذکوره این کلمات را و آیات را بخوانند و بعد گره
بران زده به سهو ربیت ان تعلیق نماید تا روز حیض و بعد از ان آیات اند از بسمله
و آیة الکرسی تا علی العظیم وَاِنْ یَمْسَسْکَ اللّٰهُ بِضُرٍّ فَلَا کَاشِفَ لَهُ اِلَّا هُوَ وَاِنْ
کُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوْا وَاِنْ کُنْتُمْ مَرْضٰی اَوْ عَلٰی سَفَرٍ اَوْ جَاءَ اَحَدٌ مِنْکُمْ مِنَ الْغَائِطِ
بستم حیله فلانه بنت فلانه را بسر یا بحق محمد وآله الامجد و بحق بسم الله الرحمن الرحیم
وَمَا رَمَیْتَ اِذْ رَمَیْتَ وَلٰکِنَّ اللّٰهَ رَمٰی وَلِیُبْلِیَ الْمُؤْمِنِیْنَ مِنْهُ بَلَاءً
حَسَنًا اِنَّ اللّٰهَ سَمِیْعٌ عَلِیْمٌ   که گوش بنی طفل را سوراخ کنند و ترسد
که مجروح شود و بعد گفته این عزیمه را بر مسقبه سوزن خوانند و سوراخ کنند مجروح نشده
و درد و کرد ایمن مانند اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ عَزَمْتُ عَلَی الْحَدِیْدِ وَعَلَی السَّاعِدِ الشَّدِیْدِ
بحق علم العلماء و بحق سکان السماء و بحق عیسی ابن مریم ان لا وجعی لحما
وَلَا اُخْرِجُ دَمًا اُدْخِلْنَا سَالِمًا وَاُخْرِجُ سَالِمًا   بعد بار بر سوزن
بخوانند و هر جا که خواهد سوراخ کنند و خون در نیاید و بخت نکنند و در وقت سوراخ
کردن نیز بخوانند که درد نکند مستکاشی فصل دویم در رفع حبس الحیض و نزف

ان

این و هم خواص الآیات القرآن مذکور است که چون زن را احتباس علت باشد

و از آن در رنج باشد این آیه فاذا نفخ فی الصور نفخة واحدة الی قوله فهی یومئذ واهیة

از سوره الحاقه بر صحیفه از بلور در روز یکشنبه که قمر در عقرب باشد نقش کنند بنام

آن زن و همان در آب و نیلوفر در آب اندازد از دل او خون روان شود باز نه ایستد یا دام

که آتش می رفته باشد در آب خورد   جهت ادرار فرمودن حیض مجرب دالیة اینکه فرزند را

سایند و بعد للکوی استعمال نماید و حسینی جهت گشودن حیض بسته زرده

تخم حیض زنده و مرده بفرستنده مؤثر و مجرب است عصاره   وقت دکی زن

پیر طایفه با زهره گاو حل کرده با پشته گوسفند بر دارند گشاده گردد و تجربه رسیده

که هرگاه از عنب الثعلب و آرد و شیرینی و روغن بیدانجیر حلوا عمل آورند

و از آن بخورند حیض بسته او گشاده شود و حسینی حلوائیکه از پوست بادرنج

و روغن گاو سفید عمل آورند و حسینی عصاره سرخ ... میلکه و تریاق

فاروق عملها بکنند گشاده میگردد و گشودن رگ صافن نیز تاثیر عظیم دارد

نزف الدم در کتاب ... آورده که این حروف مهمله را در دا(من)

زنی که همیشه خون از او آید بنویسد بشرطیکه جامه پاکیزه باشد خون او

منقطع میشود باذن الله تعالی احد دس صطع کلم هو لاء

این آیات را بر دامن زنی نویسند که خون حیض او منقطع شود اِنَّ الَّذِی فَرَضَ عَلَیکَ
القُرآنَ لَرادُّکَ اِلی مَعادٍ [illegible] علی المحل بناءٍ مستقرٍ لا حول ولا قوة الا
بالله العلی العظیم گفته اند که نیم بخته تخم مرغ با نیم مثقال جرم لک که از [illegible]
[illegible] منند و آلات را با دستکاه [illegible] جهت قطع سیلان حیض و در درد [illegible]
در دفع عقم زنان و [illegible] مداوای حامله شدن زنان و در رفع [illegible]
و [illegible] و غیره و در خواص آیات قرآنی آورده که هر گاه این آیه را از سوره مؤ
منون بنویسد و در شکم حامل بگیرد و یک ساعت بلع نماید و در عقب هر یک بچه
[illegible] دست [illegible] زائیده شود آیه اینست وَلَقَد
خَلَقنَا الاِنسانَ مِن سُلالَةٍ مِن طینٍ الی فَتَبارَکَ اللهُ اَحسَنُ الخالِقین
از حضرت امام زین العابدین ع منقول است که بعضی از اصحاب حضرت
که از او درخواست نمودند که دعای جهت فرزند شدن نماید فرمود که بخواند نوبت
این دعا بخواند رَبِّ لا تَذَرنی فَرداً وَاَنتَ خَیرُ الوارِثینَ وَاجعَل لی مِن لَدُنکَ
وَلِیّاً یَرِثُنی فی حَیاتی وَیَستَغفِرُ لی بَعدَ مَماتی وَاجعَلهُ خَلقاً سَوِیّاً وَلا
تَجعَل لِلشَّیطانِ فیهِ نَصیباً اَللّهُمَّ اِنّی اَستَغفِرُکَ وَاَتوبُ اِلَیکَ اِنَّکَ
اَنتَ التَّوّابُ الرَّحیمُ این آیات که هر گاه زنی [illegible] بگیرد و حمل او [?]

بیرا

